



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

دوره هشتم - سال سوم

تاریخ چاپ ۱۳۸۹/۱۰/۲۷

۱۲۹۲

شماره چاپ

۴۸۶

شماره ثبت

یک شوری

طرح وکالت

کمیسیونهای ارجاعی

اصلی: قضائی و حقوقی

فرعی: -

معاونت قوانین

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً طرح ذیل که به امضاء ۱۵۳ نفر از نمایندگان رسیده است جهت طی مراحل قانونی تقدیم می‌گردد.

مقدمه (دلایل توجیهی):

باتوجه به گذشت بیش از هفتاد سال از تصویب قانون وکالت، تحولات حقوقی و اجتماعی، فعالیت نهادهای مشابه و لزوم همبستگی نهاد وکالت با نهاد قضاوت جهت تحقق عدالت قضائی در عین استقلال آن دو نهاد و حفظ وجهه و مقبولیت جایگاه بین‌المللی نهاد وکالت بازنگری در قانون وکالت ضرورت مضاعف یافته است. در راستای تحقق اهداف فوق این طرح تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.

محمد دهقانی - اسلامی پناه - دهقان ناصر آبادی - ذاکر - تجری - غضنفر آبادی - قربانی - محمد تقی رهبر - شاهرخی - حسینیان - صمد فدایی - شجاعی - نکونام - اسداللهی - عبدالرضا مرادی - زمانی - امین حسین رحیمی - بهمن محمدی - حیات مقدم - فلاح پیشه - نادران - زاکانی - آقათهرانی - مفتاح - قره‌خانی - ناصری - کیخا - صدر - دلخوش - حاجی اصفری - کاتوزیان - بابا احمدی - لاهوتی - انصاری - سید حسین هاشمی - کوهکن - سجادیان - دوگانی - اکرمی - جلالیان - صابری - میرزایی - گروسی - طباطبایی نژاد - مطهری تهران - سعادت -

سنایی - بختیاری - مقدسی - مصباحی مقدم - غفوری فرد - محمد حسین مقیمی -
 حسینی صدر - نورالله حیدری - طاهرپور - مطورزاده - آشوری - موحد - شبانپور -
 اولیاء - موسوی لارگانی - فروزش - سیدعلی حسینی - حسین امیری -
 محمدعلی کریمی - فرمند - عبدالجبار کریمی - کعبی - دهدشتی - ناصری نژاد -
 سیدشریف حسینی - محمدرضا رضایی - علی کریمی - کواکیان - یوسف نژاد -
 پولادی - محسنی ثانی - کمالیان - فولادگر - مهدوی - بروغنی - میرخلیلی -
 عابدی - ثروتی - ابطحی - شهرزاد - نصیری قیداری - آقازاده - بگلریان -
 محسنی بندپی - بت کلیسا - نریمان - ونایی - عزتی - خدادادی - سازدار -
 جمشیدزهی - محمدقیوم دهقانی - مرادنیسا - حسینی بافرانی - کوثری -
 موسوی جرف - محمدرضا شعبانی - اقبال محمدی - محبوب - رضا حسینی -
 اکبریان - قمری - مطهری شبستر - غفار اسماعیلی - پورفاطمی - مرعشی -
 جدگال - غلامرضا کریمی - اسدی - هاشمیان - محمدجانی - اکبر نژاد -
 ملک محمدی - حسین نژاد - محمودزاده - اعزازی - ادیبانی راد - یوسفیان ملا -
 رستکار - نژادفلاح - آشتیانی - پشنگ - تأمین - سیدفتح الله حسینی - فرج زاده -
 پزشکیان - اسدالله عباسی - کوچکی نژاد - موسوی مبارکه - آقای -
 حسینعلی شهریاری - خباز - دلاور - میگلی نژاد - فخرالدین حیدری - پرتوی -
 دلق پوش - علیخانی - عثمانی - نجفی - نوباوه وطن - حسن پور - مهدیزاده -
 ساعدی - امیدوار رضایی - کائیدی - مسعودی ریحان

طرح وکالت

کلیات

ماده ۱- وکالت دادگستری حرفه‌ای است مستقل که با قوه قضائیه در دستیابی به حاکمیت قانون، تضمین حق اقامه دعوی و دفاع از حقوق و آزادی‌های شهروندان و عدالت، همکاری و مشارکت دارد و تنها وکلاء مجاز، با استقلال کامل به انجام آن می‌پردازند.

ماده ۲- وکلاء مجاز کسانی هستند که از کانونهای وکلاء دادگستری و یا در اجراء ماده (۱۸۷) قانون برنامه پنجساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه پروانه وکالت دریافت کرده‌اند.

ماده ۳- وکلاء مجاز می‌توانند با رعایت مقررات این قانون در مراجع قضائی، شبه قضائی و اداری به وکالت بپردازند.

بخش اول- کانونهای وکلاء دادگستری

گفتار اول- کانون محلی وکلاء دادگستری

ماده ۴- کانون محلی وکلاء دادگستری مؤسسه‌ای است دارای شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی که در مرکز هر استان تشکیل می‌شود.

ماده ۵- وظایف و اختیارات کانون محلی عبارتند از:

۱- برگزاری دوره‌های کارآموزی و اعطاء پروانه وکالت به داوطلبان واجد

شرایط قانونی.

۲- اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال کارآموزان و وکلاء.
۳- رسیدگی به تخلفات انتظامی کارآموزان و وکلاء از طریق داسرا و دادگاه انتظامی وکلاء و درخواست تعقیب مرتکبان تخلفات مندرج در این قانون.

۴- معاضدت قضائی.

۵- برنامه‌ریزی در جهت ارتقاء سطح علمی و عملی کارآموزان و وکلاء و برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت.

۶- ایجاد زمینه‌های لازم برای تبادل افکار در زمینه تأمین حق دفاع شهروندان و سایر حقوق و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی.

ماده ۶- کانون محلی وکلاء دادگستری از ارکان زیر تشکیل می‌شود:

۱- مجمع عمومی

۲- هیأت مدیره

۳- بازرسان

۴- داسرا و دادگاه انتظامی وکلاء

ماده ۷- مجمع عمومی هر کانون محلی از وکلای عضو آن کانون که

معلق نشده‌اند، تشکیل می‌شود و وظیفه انتخاب اعضاء هیأت مدیره و بازرسان یا بازرسان را برعهده دارد.

ماده ۸- کلیه وکلای پایه یک که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند

داوطلب عضویت در هیأت مدیره یا بازرسی کانون شوند:

۱- داشتن حداقل پنج سال سابقه وکالت یا سه سال سابقه وکالت و دو سال سابقه قضاوت،

۲- عدم محکومیت کیفری مؤثر،

۳- عدم محکومیت قطعی انتظامی درجه سه و بالاتر در دادگاه انتظامی کانون یا دادگاه عالی انتظامی قضات تا سه سال بعد از اجراء مجازات انتظامی،

۴- التزام عملی به قانون اساسی، ولایت فقیه و احکام اسلام،

۵- داشتن حداقل سی سال تمام شمسی.

ماده ۹- مرجع رسیدگی به صلاحیت داوطلبان، دادسرای انتظامی قضات

است که باید ظرف حداکثر سه ماه از تاریخ وصول اسامی داوطلبان از کانون وکلا، ضمن استعلام سوابق از مراجع ذی صلاح، صلاحیت آنها را بررسی و اعلام نظر کند. مراجع ذی صلاح قانونی که از داوطلبان سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام، موظفند حداکثر ظرف مهلت یک ماه از تاریخ استعلام، مراتب را به دادسرای انتظامی قضات اعلام کنند. عدم پاسخگویی مراجع ذی صلاح قانونی مورد استعلام ظرف مهلت یادشده، به منزله تأیید صلاحیت داوطلبان محسوب می شود.

تبصره- مراجع ذی صلاح در این ماده عبارتند از: دستگاه‌های امنیتی،

نیروی انتظامی، اداره سجل کیفری و سازمان ثبت احوال.

ماده ۱۰- دادسرای انتظامی قضات مکلف است حداکثر ظرف پنج روز

پس از دریافت پاسخ استعلامات مربوطه و یا انقضای مهلت یک ماهه مقرر در

ماده قبل، نسبت به بررسی سوابق و مدارک و احراز شرایط عضویت داوطلبان،

اقدام کرده و اسامی کسانی را که رد صلاحیت شده‌اند حداکثر ظرف پانزده روز به صورت مکتوب به آنها و کانون مربوط ابلاغ کند. داوطلبان رد صلاحیت شده، ظرف مدت هفت روز از تاریخ ابلاغ نتایج به آنها حق اعتراض در دادگاه عالی انتظامی قضات را دارند. دادگاه مکلف است حداکثر ظرف بیست روز از تاریخ اعتراض، رأی خود را اعلام کند. این رأی قطعی است.

ماده ۱۱- تعداد اعضاء هیأت مدیره که عهده‌دار اداره تمامی امور کانون

محلی است، به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

۱- برای کانون‌های تا هزار نفر وکیل دارای حق رأی، پنج نفر عضو اصلی

و دو نفر عضو علی‌البدل؛

۲- برای کانون‌های دارای یک هزار و یک نفر تا دو هزار و پانصد نفر وکیل

دارای حق رأی، هفت نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل؛

۳- برای کانون‌های دارای دو هزار و پانصد و یک نفر تا چهار هزار نفر

وکیل دارای حق رأی، نه نفر عضو اصلی و چهار نفر عضو علی‌البدل؛

۴- برای کانون‌های دارای چهار هزار و یک نفر تا پنج هزار و پانصد نفر

وکیل دارای حق رأی، یازده نفر عضو اصلی و پنج نفر عضو علی‌البدل؛

۵- برای کانون‌های دارای بیش از پنج هزار و پانصد نفر وکیل دارای حق

رأی، سیزده نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل.

تبصره- در ازای اضافه شدن هر هزار و پانصد نفر وکیل دارای حق رأی

به یک کانون محلی، دو عضو اصلی و یک عضو علی‌البدل به تعداد اعضاء

هیأت مدیره آن کانون در انتخابات بعدی افزوده می‌شود.

ماده ۱۲- اعضای هیأت مدیره کانون برای سه سال با رأی مخفی اکثریت نسبی اعضای مجمع عمومی کانون انتخاب می‌شوند. اعضای نمی‌توانند برای بیش از دو دوره متوالی در هیأت مدیره عضویت داشته باشند.

تبصره ۱- مرجع نظارت بر شکایات انتخاباتی داوطلبان دادگاه انتظامی وکلا است. تجدیدنظر از آراء دادگاه انتظامی وکلاء در دادگاه عالی انتظامی قضات صورت می‌گیرد. رأی دادگاه اخیر قطعی است.

تبصره ۲- بقاء عضویت هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در همان استان باشد.

ماده ۱۳- هرکس در انتخابات انجام شده توسط مجمع عمومی، حائز بیشترین تعداد آراء شود، ریاست هیأت مدیره را برعهده خواهد داشت. اعضای هیأت مدیره از میان خود، دو نایب رئیس و یک منشی انتخاب می‌کنند. هریک از نواب رئیس که رأی بیشتری را کسب کند، نایب رئیس اول خواهد بود.

ماده ۱۴- رئیس هیأت مدیره ریاست کانون را برعهده دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع محسوب می‌شود. اجراء تصمیمات هیأت مدیره در کلیه امور اداری، مالی، حقوقی و نظایر آن، میانجیگری در حل اختلافات حرفه-ای وکلا با یکدیگر و نظارت عالی بر اعمال و رفتار کارآموزان و وکلاء و اعلام هرگونه تخلف شغلی آنها به دادسرای انتظامی برعهده رئیس هیأت مدیره است. در غیاب وی، نواب رئیس به ترتیب عهده‌دار امور مزبور خواهند بود.

ماده ۱۵- مجمع عمومی سه بازرس اصلی و یک بازرس علی‌البدل برای مدت ۴ سال انتخاب می‌کند. بر خورداری از شرایط عضویت در هیأت مدیره،

برای بازرسان نیز الزامی است ولی بازرسان نباید عضو هیأت مدیره باشند. نظارت بر تصمیمات و اقدامات هیأت مدیره و رئیس کانون و نیز حسن جریان امور در کانون بدون دخالت در امور اجرایی برعهده هریک از بازرسان است که در صورت مشاهده تخلف، گزارش موقوف را به دادستان انتظامی وکلاء کانون محلی تسلیم می‌کند. گزارش بازرسان راجع به عملکرد هیأت مدیره که باید حداقل یک هفته پیش از برگزاری جلسه مجمع عمومی، از طریق وبسایت و خبرنامه کانون، منتشر شود و در اختیار اعضاء قرار گیرد، باید در جلسه مجمع عمومی نیز قرائت شود. در صورت اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد.

ماده ۱۶- جلسات هیأت مدیره با حضور اکثریت اعضاء اصلی رسمیت می‌یابد و تصمیمات با اکثریت آراء حاضران اتخاذ می‌شود و در صورت برابری آراء، رأی گروهی که مشتمل بر رأی رئیس کانون باشد، معتبر خواهد بود. تبصره- در صورت عدم حصول نصاب رسمیت جلسه با اعضاء اصلی، اعضاء علی‌البدل به ترتیب تقدم آراء، جایگزین عضو یا اعضاء اصلی غایب خواهند شد.

ماده ۱۷- تمامی مصوبات هیأت مدیره و رؤسای کانونهای محلی باید ظرف یک هفته در سایت اینترنتی و خبرنامه کانونهای محلی منتشر شود. مصوبات مذکور یک هفته پس از انتشار، لازم‌الاجراء می‌شود. این مصوبات منحصرأ از حیث عدم مطابقت با قانون و شرع، از سوی هر ذی‌نفع، حسب مورد قابل شکایت در شعب یا هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است.

ماده ۱۸- عضویت اعضاء هیأت مدیره و بازرسان در موارد زیر زایل می‌شود:

۱- فوت،

۲- حجر،

۳- محکومیت کیفری مؤثر و انتظامی درجه سه و بالاتر،

۴- غیبت غیر موجه چهارجلسه متوالی یا هشت جلسه متناوب در هیأت

مدیره ظرف یکسال از زمان شروع به کار،

۵- استعفاء پس از قبول اکثریت اعضاء اصلی هیأت مدیره.

تبصره- مرجع تشخیص غیبت غیرموجه موضوع بند (۴)، هیأت مدیره است.

ماده ۱۹- در صورت زوال عضویت هر یک از اعضاء هیأت مدیره یا

سمت هر یک از بازرسان، عضو یا بازرس علی‌البدل به ترتیب، جایگزین وی

می‌شود. هرگاه کسی که بتواند جایگزین شود، نباشد، برای جایگزینی اعضائی

که سمت آنها زایل شده است، نسبت به بقیه مدت، انتخابات برگزار می‌شود.

ماده ۲۰- هزینه‌های کانون از محل حق عضویت سالانه و هدایا و

کمک‌های مالی مستمر یا ادواری اشخاص و وجوه دریافتی موضوع تبصره این

ماده و ماده (۶۵) این قانون و نیز درآمدهای حاصل از فروش مجلات و

نشریات تأمین می‌شود. تعیین حق عضویت سالانه و تجدیدنظر بعدی در آن

پس از دریافت گزارش توجیهی رئیس هیأت مدیره و تأیید بازرس با هیأت

مدیره است.

تبصره- وکلای دادگستری مکلفند معادل یک چهارم تمبر الصاقی به

وکالتنامه را بابت هزینه کانون به حسابداری دادگستری پرداخت کنند و

حسابداری دادگستری مکلف است در پایان هر ماه، مبالغ دریافتی را به کانون وکلای مربوط بپردازد.

گفتار دوم- کانون ملی وکلای دادگستری

ماده ۲۱- کانون ملی وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است دارای شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی که با عضویت تمامی کانون‌های محلی و به منظور ایجاد هماهنگی در اجراء وظایف آنها و نیل به اهداف زیر در پایتخت تشکیل می‌شود:

- ۱- ایجاد رویه واحد در اجراء وظایف کانون‌های محلی وکلا،
- ۲- ایجاد هماهنگی بین کانون‌های عضو در ارتباط با قوای سه گانه،
- ۳- اقدام در جهت ارتقاء سطح علمی کارآموزان و وکلا و تصویب برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت توسط کانونهای محلی و نظارت بر اجراء آن،
- ۴- سیاستگذاری در جهت حمایت از حقوق صنفی وکلای دادگستری و ارائه برنامه‌های لازم به منظور بهبود وضعیت رفاهی آنها،
- ۵- هماهنگی، برقراری و توسعه ارتباط کانون‌های محلی با اتحادیه بین‌المللی وکلا و کانون بین‌المللی وکلای دادگستری و کانون‌های وکلای دادگستری سایر کشورها و مجامع حقوقی بین‌المللی،
- ۶- ارائه طرح‌ها و انجام اقدامات لازم برای تحقق و تأمین حقوق دفاعی اشخاص.

تبصره ۱- کانون ملی وکلاء دادگستری می‌تواند پیشنهادهای خود را در مورد اصلاح و تغییر قوانین و مقررات راجع به وکالت و سایر قوانین به مراجع ذی صلاح ارائه کند.

تبصره ۲- مصوبات کانون ملی برای کانونهای محلی لازم الاجراست.

تبصره ۳- در خصوص اجراء مصوبات کانون ملی موضوع بند «۳» این ماده، کانونهای محلی متناسب با امکانات و تجهیزات خود اقدام می‌کنند.

ماده ۲۲- کانون ملی وکلای دادگستری از ارکان زیر تشکیل می‌شود:

۱- هیأت عمومی،

۲- شورای اجرائی،

۳- بازرسان،

۴- دادستان کل و هیأت عمومی انتظامی وکلاء.

ماده ۲۳- هیأت عمومی کانون ملی از کلیه اعضاء اصلی هیأت‌های مدیره

کانون‌های محلی تشکیل می‌شود.

تبصره- کانونهای محلی می‌توانند در صورت عدم امکان حضور هریک از

اعضاء اصلی، یکی از اعضاء علی‌البدل را به جای وی معرفی کنند.

ماده ۲۴- وظایف هیأت عمومی عبارتند از:

۱- تعیین خط مشی کلی و سیاست‌های اجرائی کانون ملی،

۲- تصویب بودجه و تراز نامه و صورت‌های مالی کانون ملی و حق

عضویت کانونهای محلی،

- ۳- اتخاذ تصمیم نسبت به کلیه مواردی که به عنوان اهداف قانون ملی در این قانون اعلام شده است و امور مرتبط به جامعه وکالت و کانون‌های محلی،
- ۴- انتخاب اعضاء شورای اجرائی کانون ملی،
- ۵- انتخاب بازرسان کانون ملی،
- ۶- انتخاب دادستان کل انتظامی وکلا،
- ۷- تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که تمام اطلاعیه‌ها و اعلامات کانون ملی در آن منتشر می‌شود.

ماده ۲۵- هیأت عمومی حداقل یک بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد. جلسات هیأت عمومی با حضور دو سوم اعضاء آن رسمیت یافته و تصمیمات با اکثریت آراء اعضاء حاضر اتخاذ می‌شود. در صورت عدم حصول اکثریت لازم جهت رسمیت جلسه در بار اول، مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های کانون ملی در آن منتشر می‌شود، آگهی و قرار انعقاد جلسه برای بار دوم که حداقل باید یک هفته پس از تاریخ مقرر برای جلسه اول باشد، اعلام می‌شود. جلسه در بار دوم با حضور هر تعداد از وکلاء عضو هیأت عمومی رسمیت می‌یابد.

ماده ۲۶- هفده نفر از اعضاء هیأت عمومی به عنوان اعضاء شورای اجرائی انتخاب می‌شوند. سه نفر نخست که حائز بیشترین آرا شده‌اند، به ترتیب به عنوان رئیس شورا، نائب رئیس اول و نائب رئیس دوم، انتخاب می‌شوند. رئیس شورای اجرائی رئیس کانون ملی و مجری تصمیمات هیأت عمومی و شورای اجرائی است.

تبصره- هیأت عمومی می‌تواند با پیشنهاد اکثریت مطلق اعضاء حاضر، رئیس شورا را از میان وکلای دادگستری که دارای پانزده سال سابقه وکالت پایه یک و یا سابقه ده وکالت و ده سال قضاوت، فاقد پیشینه کیفری مؤثر و محکومیت انتظامی درجه سه و بالاتر باشند، انتخاب کند.

ماده ۲۷- شورای اجرائی نسبت به کلیه امور اجرائی کانون ملی غیر از موضوعاتی که در صلاحیت اختصاصی هیأت عمومی است، از جمله موارد زیر اتخاذ تصمیم خواهد کرد:

- ۱- تنظیم دستور جلسات هیأت عمومی،
 - ۲- بررسی پیشنهادهای کانون‌های محلی و مراجع دیگر که از طریق کانون ملی یا کانون‌های محلی به شورای اجرائی ارجاع می‌شود و تهیه گزارش و اظهارنظر در خصوص آنها و ارائه به هیأت عمومی جهت بررسی و تصویب،
 - ۳- تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به تشکیل و شرح وظایف کمیسیون‌ها و امور مالی کانون ملی و کانون‌های محلی و ارائه آنها به هیأت عمومی جهت بررسی و تصویب،
 - ۴- تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های خاص صنفی از قبیل لباس و علامات مشخصه و تابلوها و سربرگ‌های وکلای دادگستری و کارآموزان و ارائه آن به هیأت عمومی جهت بررسی و تصویب،
 - ۵- تعیین نماینده یا نمایندگان جهت شرکت در مجامع داخلی و بین‌المللی.
- تبصره- نصاب رسمیت جلسات شورای اجرائی، اکثریت مطلق اعضاء و نصاب اتخاذ تصمیم، اکثریت نسبی اعضاء حاضر است.

ماده ۲۸- تمامی مصوبات هیأت عمومی، شورای اجرائی و رئیس کانون ملی باید ظرف یک هفته در سایت اینترنتی و خبرنامه کانون ملی منتشر شود. مصوبات مذکور یک هفته پس از انتشار، لازم الاجراء می‌شود. این مصوبات منحصراً از حیث عدم مطابقت با قانون و شرع، از سوی هر ذی نفع، حسب مورد قابل شکایت در شعب یا هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است.

ماده ۲۹- چنانچه هریک از اعضاء شورای اجرائی که فاقد یکی از شرایط لازم برای عضویت در شورای مذکور یا ادامه آن شوند و یا از عضویت استعفاء کنند، هیأت عمومی کانون ملی در اولین جلسه خود، نسبت به انتخاب و معرفی عضو جایگزین اقدام خواهد کرد.

تبصره ۱- قبول استعفاء با پذیرش اکثریت اعضاء شورای اجرائی است.
تبصره ۲- شرایط عضویت در شورای اجرائی و ادامه آن همان است که در مواد (۸) و (۱۸) این قانون برای اعضاء هیأت مدیره کانونهای محلی مقرر شده است.

ماده ۳۰- هیأت عمومی کانون ملی پنج‌بازرس اصلی و دو بازرس علی‌البدل را برای مدت چهارسال انتخاب می‌کند. بازرسان باید دارای شرایط عضویت در شورای اجرائی باشند. نظارت بر تصمیمات و اقدامات شورای اجرائی و رئیس کانون ملی و نیز حسن جریان امور در کانون ملی بدون دخالت در امور اجرائی بر عهده هریک از بازرسان است که در صورت مشاهده تخلف، گزارشش مآوقع را به دادستان کل انتظامی وکلاء تسلیم می‌کند. گزارش بازرسان راجع به عملکرد شورای اجرائی باید حداقل یک هفته پیش از برگزاری جلسه

هیأت عمومی، از طریق وبسایت و خبرنامه کانون، منتشر شود و در اختیار
اعضاء قرار گیرد و در جلسه هیأت عمومی کانون ملی نیز قرائت شود.
در صورت اختلاف نظر بین بازرسان، موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید
خواهد شد.

ماده ۳۱- هزینه‌های کانون ملی از محل حق عضویت سالانه کانون‌های
محلی که میزان آن با توجه به وضع مالی هر کانون و تعداد وکلاء آن به وسیله
هیأت عمومی تعیین می‌شود، تأمین خواهد شد. کانون می‌تواند از هدایا و
کمک‌های مالی کارآموزان و وکلا و درآمدهای حاصل از فروش مجلات و
نشریات و سایر محصولات مرتبط و شهریه کلاس‌های آموزشی و سایر
اقدامات علمی و فرهنگی، استفاده کند.

ماده ۳۲- ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیأت عمومی و شورای
اجرائی کانون ملی و مجمع عمومی و هیأت مدیره کانون محلی و تقسیم کار و
وظایف هیأت‌های رئیسه مجامع عمومی کانونهای محلی و هیأت عمومی کانون
ملی و تنظیم صورتجلسات در آئین‌نامه اجرائی این قانون تعیین خواهد شد.

بخش دوم- ورود به حرفه وکالت

گفتار اول- شرایط ورود به حرفه وکالت

ماده ۳۳- برای ورود به حرفه وکالت احراز شرایط زیر الزامی است:

- ۱- داشتن تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران،
- ۲- داشتن مدرک کارشناسی در رشته‌های حقوق در هریک از گرایش‌ها،
فقه و مبانی حقوق اسلامی یا فقه و حقوق و یا مدرک کارشناسی ارشد پیوسته

در هریک از گرایش‌های رشته معارف اسلامی و حقوق یا گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در رشته معارف اسلامی، ارشاد و الهیات از یکی از دانشگاه‌های مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و یا مدارک معادل حوزوی در زمان صدور پروانه کارآموزی،

۳- داشتن حداقل بیست و دو و حداکثر چهل سال سن،

۴- عدم حجر،

۵- داشتن کارت معافیت دائم یا پایان خدمت و وظیفه عمومی در زمان

صدور پروانه کارآموزی (برای آقایان)،

۶- تدین به دین اسلام یا یکی از ادیان شناخته شده در قانون اساسی،

۷- التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،

۸- نداشتن محکومیت کیفری مؤثر،

۹- عدم اعتیاد به الکل، مواد مخدر و سایر مواد ممنوعه،

۱۰- عدم محکومیت به انفصال دائم از اشتغال به وکالت، به موجب رأی

قطعی مراجع صالحه مذکور در این قانون،

۱۱- عدم محکومیت به انفصال دائم از خدمات عمومی و دولتی،

۱۲- عدم محکومیت به انفصال موقت از خدمات عمومی و دولتی در

مدت انفصال،

۱۳- عدم ارتکاب جرائم موضوع ماده (۱۳۶) این قانون؛

۱۴- موفقیت در آزمون ورودی و طی دوره کارآموزی و تأیید صلاحیت

علمی به وسیله هیأت اختبار مطابق مقررات این قانون.

تبصره ۱- دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد پیوسته در رشته گرایش‌های موضوع بند «۲» در صورتی که در زمان صدور پروانه کارآموزی، کل واحدهای درسی مقطع کارشناسی خود را به تأیید دانشگاه محل تحصیل گذرانده باشند، در صورت دارا بودن سایر شرایط، به حرفه وکالت وارد می‌شوند.

تبصره ۲- اشخاص موضوع ماده (۴۲) این قانون از ممنوعیت داشتن حداکثر ۴۰ سال سن جهت ورود به حرفه وکالت مستثنی هستند.

تبصره ۳- کسی که به اتهام ارتکاب جرمی که مطابق این قانون عدم ارتکاب آن شرط ورود به حرفه وکالت است، تحت تعقیب قرار گرفته و علیه او کیفرخواست صادر شده، تا زمان صدور حکم قطعی برائت نمی‌تواند وارد حرفه وکالت شود.

تبصره ۴- کسانی که به دلیل ارتکاب جرائم یا تخلفاتی از شغل قضاوت به طور دائم منفصل شده باشند، نمی‌توانند وارد حرفه وکالت شوند.

ماده ۳۴- سی درصد (۳۰٪) سهمیه مورد نیاز هریک از کانونهای محلی به ایثارگران (رزمندگانی که شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا در اسارت دشمن بوده‌اند و یا جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و بستگان درجه اول شهدا و جانبازان پنجاه درصد (۵۰٪) به بالا) اختصاص می‌یابد که از بین ایثارگرانی که حداقل هشتاد درصد (۸۰٪) از نمره آخرین نفر قبولی سهمیه آزاد را کسب کرده باشند، به ترتیب نمره انتخاب خواهند شد.

تبصره - استفاده از این سهمیه مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را کسب کرده‌اند نیست.

ماده ۳۵- اشخاص فاقد پروانه وکالت که دارای مدرک کارشناسی در رشته حقوق باشند و یا واحدهای کارشناسی را در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته حقوق گذرانده باشند و شغل آنان قضاوت نباشد در صورت احراز شرایط مذکور به وسیله کانون وکلای محل اقامت آنها می‌توانند در سال تا سه نوبت با اخذ جواز وکالت اتفاقی برای اقبای سببی یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت کنند.

همچنین اشخاص فاقد پروانه وکالت که دارای مدرک کارشناسی ارشد در یکی از رشته‌های موضوع بند «۲» ماده (۳۳) این قانون باشند و شغل آنان قضاوت نباشد، در صورت احراز شرایط مذکور به وسیله کانون وکلای محل اقامت خود می‌توانند در سال حداکثر تا سه نوبت با اخذ جواز وکالت اتفاقی وکالت کنند.

ماده ۳۶- کسی که به محرومیت دائم از وکالت محکوم شده است، در هیچیک از کانون‌ها حق درخواست پروانه وکالت یا مجوز وکالت اتفاقی نخواهد داشت. کسی که به محرومیت موقت از وکالت محکوم شده است، پس از انقضای مدت مزبور در صورت دارا بودن سایر شرایط می‌تواند پروانه وکالت یا مجوز وکالت اتفاقی درخواست کند.

گفتار دوم- آزمون، کارآموزی و پروانه وکالت

ماده ۳۷- آزمون ورودی وکالت هر ساله در یکی از ماه‌های آبان و آذر به وسیله سازمان سنجش آموزش کشور به صورت سراسری برگزار و نتایج آن بر اساس معدل کسب شده در آزمون و کانون محلی منتخب داوطلبان در یکی

از جراید کثیرالانتشار اعلام می‌شود. نحوه برگزاری آزمون و سطح علمی آن، کیفیت طراحی سؤالات و حد نصاب لازم برای قبولی در آزمون ورودی بر اساس موقعیت کانونهای محلی، مطابق آئین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد کانون ملی و به وسیله وزراء دادگستری و علوم، تحقیقات و فن‌آوری تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۳۸- کانون محلی مکلف است پس از اعلام اسامی پذیرفته شدگان آزمون از سوی سازمان سنجش آموزش کشور، نسبت به تشکیل پرونده برای آنان اقدام و برای احراز شرایط مقرر قانونی از مراجع قانونی ذی ربط استعلام کند. مراجع مورد استعلام موظفند حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ استعلام، پاسخ لازم را به صورت مکتوب اعلام کنند. عدم پاسخگویی مراجع طرف استعلام ظرف مهلت یادشده، به منزله تأیید صلاحیت داوطلبان محسوب می‌شود.

کانون حداکثر ظرف ده روز پس از وصول پاسخ استعلامات یا انقضای مدت یک ماه و تکمیل پرونده، نسبت به صدور دفترچه کارآموزی اقدام می‌کند. در صورت رد تقاضای کارآموزی، متقاضی می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ اعلام رد تقاضا، به دادگاه انتظامی وکلاء کانون مربوط شکایت کند.

ماده ۳۹- مدت کارآموزی یک سال است. کارآموزان در این مدت ضمن شرکت در دوره‌های آموزشی، تحت نظر وکیل سرپرستی که با پیشنهاد کارآموز و تأیید کانون، تعیین می‌شود کارآموزی می‌کنند. کارآموزان در شش ماه اول اشتغال به کارآموزی، حق شرکت در جلسات رسیدگی مراجع قضائی، شبه قضائی و اداری و مطالعه پرونده‌ها را بدون داشتن حق مداخله در امر وکالت

خواهند داشت. کارآموزان در شش ماه دوم اشتغال به کارآموزی، می‌توانند با مسؤولیت و نظارت وکیل سرپرست، وکالت در دعاوی را که قبول وکالت آنها در صلاحیت وکلاء پایه دو قرار دارد، بپذیرند.

تبصره ۱- مدت کارآموزی اعضاء هیأت علمی رسمی، پیمانی و قراردادی دانشگاه‌های مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شش ماه است. این کارآموزان در سه ماه اول کارآموزی حق شرکت در جلسات رسیدگی مراجع قضائی، شبه قضائی و اداری و مطالعه پرونده‌ها را بدون داشتن حق مداخله در امر وکالت خواهند داشت.

تبصره ۲- تنظیم دادخواست، شکوائیه و لایحه، سعی در صلح و سازش در مواردی که از سوی وکیل سرپرست به کارآموز محول شود و نیز پرسش و اظهار نظر علمی مداخله در امر وکالت محسوب نمی‌شود.

ماده ۴۰- پس از اتمام دوره کارآموزی، اختبار کارآموزان و تأیید صلاحیت علمی آنان از جهات نظری و عملی به وسیله یکی از هیأت‌های اختبار به عمل می‌آید. هر هیأت اختبار که به وسیله رئیس کانون محلی مربوط انتخاب می‌شوند متشکل از هفت نفر وکیل پایه یک دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد در یکی از رشته‌های موضوع بند «۲» ماده (۳۳) این قانون با حداقل ده سال سابقه وکالت است. چهار نفر از این اشخاص باید حداقل پنج سال سابقه قضائی داشته باشند.

تبصره ۱- مدت عضویت در هیأت اختبار سه سال و تنها برای یک دوره به صورت متوالی قابل تمدید است.

تبصره ۲- در صورتی که در هریک از کانون‌های محلی، اعضاء واجد شرایط برای تشکیل هیأت اختبار به تعداد کافی وجود نداشته باشد، رئیس کانون محلی مربوط پس از هماهنگی با رؤسای سایر کانون‌های محلی، اشخاص واجد شرایط را از میان اعضاء آنها انتخاب و معرفی می‌کند.

ماده ۴۱- در صورتی که هیأت اختبار صلاحیت کارآموز را تأیید کند بلافاصله مراتب به رئیس کانون اعلام می‌شود و در غیر این صورت، دوره کارآموزی شخص مردود را با تعیین دوره‌های علمی و عملی مورد نیاز، از شش تا دوازده ماه تمدید می‌کند. تمدید دوره صرفاً برای دو مرتبه امکانپذیر است. در صورتی که پس از دو بار تمدید، هیأت اختبار مجدداً صلاحیت کارآموز را تأیید نکند، پروانه کارآموزی ابطال می‌شود. در این صورت، ورود به حرفه وکالت مستلزم شرکت و موفقیت مجدد متقاضی در آزمون ورودی است.

ماده ۴۲- دارندگان درجه دکترا یا معادل حوزوی آن در یکی از رشته‌های موضوع بند «۲» ماده (۳۳) این قانون از یکی از دانشگاه‌های مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا حوزه‌های علمیه، از شرکت در آزمون ورودی و اختبار و کسانی که دارای حداقل دو سال سابقه قضائی باشند، از شرکت در آزمون ورودی و کارآموزی و کسانی که دارای حداقل پنج سال سابقه قضائی باشند، از شرکت در آزمون ورودی، کارآموزی و اختبار معافند. همچنین کلیه اشخاص دارای مدارک موضوع بند «۲» ماده (۳۳) این قانون، با حداقل پنج سال سابقه کار متوالی یا ده سال متناوب در سمت‌های حقوقی در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و

نهادها و نیروهای مسلح، در صورت تقاضای ورود به حرفه وکالت پس از بازنشستگی، از شرکت در آزمون ورودی و نیمی از مدت مقرر برای کارآموزی معافند.

تبصره- جز در موارد مصرح در این ماده، هیچیک از متقاضیان ورود به حرفه وکالت از آزمون ورودی، کارآموزی و اختبار معاف نخواهند بود.

ماده ۴۳- کانون‌های محلی موظفند حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ اعلام تأیید صلاحیت علمی کارآموز از سوی هیأت اختبار و تکمیل پرونده کسانی که از اختبار معافند، نسبت به صدور پروانه وکالت اقدام کنند.

ماده ۴۴- اعتبار پروانه وکالت دو سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی است. هرگاه وکیلی فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلایل آن را به دادگاه انتظامی وکلاء اعلام و درخواست رسیدگی کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رأی مقتضی صادر می‌کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود مگر در مواردی که دادگاه باتوجه به ضرورت حکم تعلیق صادر کند.

ماده ۴۵- پس از صدور پروانه وکالت و قبل از تسلیم آن، متقاضی باید در حضور رئیس کانون و در غیاب او، یکی از نواب رئیس و حداقل دو نفر از اعضاء هیأت مدیره به شرح ذیل سوگند یاد کرده و ذیل سوگند نامه را امضاء کند: «در این هنگام که می‌خواهم به شغل شریف وکالت اشتغال ورزم به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم

شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و بر خلاف شرافت و خارج از شئون وکالت و قضاوت اقدام و اظهاری نکنم و نسبت به اشخاص و مقامات قضائی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را ابراز کرده و از اعمال نظرات سیاسی و شخصی و کینه توزی و انتقام جوئی احتراز نموده و در کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهم، راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع حق باشم و شرافت من وثیقه این سوگند است که یاد کرده و ذیل آن را امضاء می‌نمایم.»

تبصره ۱- متخلف از مفاد سوگند، حسب مورد به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه یک تا سه مقرر در این قانون محکوم خواهد شد.

تبصره ۲- اشخاصی که به هر دلیل در مراسم تحلیف حضور نداشته‌اند، باید متعاقباً در حضور افراد مذکور در صدر این ماده سوگند یاد کرده و ذیل سوگند نامه را امضاء کنند.

ماده ۴۶- کسانی که قبل از لازم الاجراء شدن این قانون در آزمون‌های ورودی کانونهای وکلاء و یا مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه پذیرفته شده‌اند، کارآموزی یا ادامه آن و اعطاء پروانه به آنها برابر مقررات سابق به عمل می‌آید.

ماده ۴۷- کانون‌های وکلا مکلفند مشخصات وکلائی را که دارای پروانه معتبر هستند با عکس و نشانی کامل در پایگاه اطلاع رسانی خود قرار دهند و حداقل هر دو سال یکبار در مجموعه‌ای مخصوص چاپ و منتشر کنند.

بخش سوم - درجه بندی وکلاء و عناوین تخصصی

گفتار اول - درجه بندی وکلاء

ماده ۴۸ - وکلاء به ترتیب زیر درجه بندی می شوند:

۱- وکیل پایه یک که حق قبول وکالت در تمامی مراجع قضائی، شبه

قضائی و اداری در تمامی دعاوی را دارد.

۲- وکیل پایه دو که حق قبول وکالت در تمامی مراجع قضائی، شبه قضائی

و اداری در تمامی دعاوی بجز دادگاه کیفری استان و دیوان عالی کشور را دارد.

ماده ۴۹ - کسانی که وارد حرفه وکالت می شوند، پروانه وکالت پایه دو و

پس از پنج سال اشتغال به وکالت، پروانه وکالت پایه یک دریافت می کنند.

تبصره ۱- در صورت محکومیت انتظامی وکیل پایه دو به مجازات تعلیق،

مدت تعلیق جزء سنوات اشتغال موضوع این ماده محسوب نمی شود.

تبصره ۲- وکلائی که بر اساس ماده (۱۱۹) این قانون پروانه وکالت خود

را تودیع می کنند، مدت تودیع پروانه وکالت آنها جزء سنوات اشتغال موضوع

این ماده محسوب نمی شود.

تبصره ۳- کسانی که دارای حداقل پنج سال سابقه قضائی باشند و اعضاء

هیأت علمی دانشگاه های مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که

فارغ التحصیل یکی از رشته های موضوع بند «۲» ماده (۳۳) این قانون بوده و به

تدریس دروس حقوق اشتغال دارند و نیز فارغ التحصیلان دوره دکتری در یکی

از رشته های موضوع بند «۲» ماده (۳۳) این قانون به شرط داشتن مدرک

کارشناسی در یکی از گرایش های حقوق یا کارشناسی ارشد پیوسته در کلیه

گرایش‌های رشته معارف اسلامی و حقوق، در زمان ورود به حرفه وکالت، پروانه وکالت پایه یک دریافت می‌کنند.

ماده ۵۰- کسانی که قبل از لازم الاجراء شدن این قانون از کانون وکلاء پروانه پایه یک وکالت یا در اجراء ماده (۱۸۷) قانون برنامه پنجساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه پروانه پایه یک مشاوره حقوقی و وکالت اخذ نموده‌اند، وکیل پایه یک محسوب می‌شوند.

گفتار دوم- عناوین تخصصی

ماده ۵۱- شورای اجرائی کانون ملی فهرست عناوین تخصصی را که وکلا می‌توانند از آن استفاده کنند، تعیین می‌کند. کانون محلی مربوط عنوان تخصصی را به وکلانی که واجد یکی از شرایط زیر باشند اعطاء می‌کند:

۱- داشتن مدرک تخصصی معتبر از مراجع رسمی داخلی یا خارجی که دوره آن کمتر از یک‌سال نباشد.

۲- داشتن سابقه حداقل چهار سال تدریس در رشته مورد نظر به عنوان عضو هیأت علمی اعم از رسمی، پیمانی و قراردادی در یکی از دانشگاه‌های مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۳- داشتن حداقل چهار سال سابقه کار قضائی در رشته مورد نظر.

۴- داشتن رساله در رشته مورد نظر در مقطع دکترا در یکی از رشته‌های موضوع بند «۲» ماده (۳۳) این قانون.

تبصره- یک وکیل می‌تواند چند عنوان تخصصی کسب کند.

بخش چهارم- نقل و انتقالات و کلاء و کارآموزان

ماده ۵۲- جابجایی بین وکلاء و کارآموزان با توافق دو طرف با اخذ

وجوه یا غیر آن ممنوع است

ماده ۵۳- اخذ هرگونه وجه یا امتیاز از وکلاء و کارآموزان جهت تغییر

شهر توسط کانونهای وکلاء ممنوع است.

ماده ۵۴- نقل و انتقال با تصمیم هیأت مدیره کانونهای محلی مربوطه

فقط به طرق زیر امکانپذیر است:

۱- پذیرش در آزمون کارشناسی ارشد و دکتری در یکی از دانشگاههای

شهر مورد تقاضا برای مدت اشتغال به تحصیل؛

۲- عضویت هیأت علمی رسمی، پیمانی یا قراردادی در یکی از

دانشگاههای شهر مورد تقاضا؛

۳- بیماریهای صعب العلاج خود وکیل یا کارآموز، یا همسر یا فرزند

وی در مواقعی که شهر محل سکونت وکیل یا کارآموز با شهری که وی از آنجا

پروانه وکالت دارد، متفاوت است، و مواردی که مداوای بیماری منوط به حضور

مداوم در مراکز درمانی واقع در مراکز استانها یا شهر تهران است با تأیید

سازمان پزشکی قانونی؛

۴- قبولی در آزمونهای بعدی وکالت برای شهر مورد نظر؛

۵- کسب رتبه ممتاز در اختبار.

تبصره ۱- منظور از دارندگان رتبه ممتاز در این ماده، پنج درصد (۵٪) از کارآموزان شرکت کننده در هر دوره اختبار هستند که بالاترین نمره را در همان دوره کسب کرده‌اند.

تبصره ۲- نقل و انتقال موقت فقط برای دو نوبت مجاز است.

ماده ۵۵- هیأت مدیره کانونهای محلی مربوطه مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ تقاضای انتقال، تصمیم خود را به متقاضی اعلام کنند. عدم اعلام نظر در مدت مذکور به منزله قبول تقاضا است. در صورت رد تقاضای انتقال، هیأت مدیره باید دلایل عدم پذیرش تقاضای انتقال را کتباً و به صورت مستدل و مستند به متقاضی اعلام کند. اعتراض به تصمیم هیأت مدیره در دیوان عدالت اداری صورت می‌گیرد.

بخش پنجم - انجام حرفه وکالت

گفتار اول - دفتر وکیل

ماده ۵۶- وکیل فقط در شهری که برای آن پروانه وکالت اخذ کرده، می‌تواند اقدام به افتتاح دفتر وکالت کند.

ماده ۵۷- وکیل باید بر اعمال کارکنان دفتر وکالت خود نظارت کند و در هر حال، نسبت به خسارات ناشی از تخلفاتی که کارکنان او در دفتر وکالت در ارتباط با وظایف محوله مرتکب می‌شوند، مسؤولیت مدنی دارد.

ماده ۵۸- هنگامی که وکیل به طور موقت به هر دلیل قادر به اداره دفتر وکالت خود نباشد، از میان وکلای کانون مربوط، یک یا چند جایگزین برای خود انتخاب و بلافاصله رئیس کانون را از این موضوع با خبر می‌کند.

گفتار دوم- معاضدت قضائی و وکالت تسخیری

ماده ۵۹- معاضدت قضائی عبارتست از ارائه خدمات مشاوره حقوقی و

وکالتی به افراد معسر.

ماده ۶۰- وکالت معاضدتی در امور کیفری، وکالت تسخیری محسوب

می‌شود. هرگاه در صورت اعسار و با لحاظ قوانین و مقررات تعیین وکیل تسخیری لازم باشد، مقام قضائی مراتب را به کانون وکلای مربوط اعلام می‌شود تا کانون مذکور ظرف یک هفته نسبت به تعیین و معرفی وکیل اقدام کند.

ماده ۶۱- در هر کانون اداره‌ای به نام اداره معاضدت قضائی تشکیل

می‌شود که وظایف زیر را به عهده دارد:

۱- معرفی وکیل تسخیری در پرونده‌های کیفری به تقاضای دادگاه

رسیدگی کننده.

۲- معرفی وکیل در پرونده‌های حقوقی که طبق قانون رسیدگی به آنها

مستلزم حضور وکیل می‌باشد، پس از اثبات اعسار در دادگاه.

۳- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به تقاضای تعیین وکیل معاضدتی در

سایر پرونده‌های حقوقی.

۴- معرفی وکیل برای ارائه مشاوره معاضدتی در امور مدنی و کیفری به

افراد معسر در محل کانون و یا محل‌هایی که کانون تعیین می‌کند.

ماده ۶۲- اداره معاضدت قضائی دارای رئیس و تعداد کافی وکیل مشاور خواهد بود. انتخاب رئیس و وکلاء مشاور از میان وکلاء کانون مربوط بر عهده هیأت مدیره است.

ماده ۶۳- مرجع اتخاذ تصمیم نسبت به درخواستهای موضوع بند «۳» ماده (۶۱) این قانون، رئیس اداره معاضدت است که باید ظرف یک ماه از تاریخ ثبت تقاضا درخصوص قبول یا رد آن اظهار نظر کند. در غیر این صورت، پس از انقضاء مهلت مذکور، تقاضا پذیرفته شده محسوب می‌شود. در صورت رد تقاضا، متقاضی می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم، به هیأت مدیره شکایت کند. نظر هیأت مدیره باید ظرف ده روز اعلام شود.

ماده ۶۴- وکلاء مکلفند در صورت ارجاع اداره معاضدت کانون محل صدور پروانه، هر سال حداقل در سه دعوا به عنوان معاضدت قبول وکالت کنند.

ماده ۶۵- وکیل معاضدتی مکلف است حق‌الوکاله خود را ضمن دادخواست و یا بعد از آن مطالبه کند. در صورتی که رأی به نفع موکل وکیل معاضدتی صادر شود، حق‌الوکاله وکیل مزبور باید بر مبنای تعرفه از محل اموال محکوم علیه وصول شود و وکیل باید یک پنجم مبلغ وصول شده را به حساب کانون مربوط واریز کند. در صورتی که به هر دلیل حق‌الوکاله وکیل معاضدتی وصول نشود، حق‌الزحمه مناسبی از بودجه قوه قضائیه بر اساس آئین‌نامه‌ای که ظرف دو ماه از زمان لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید، پرداخت می‌شود.

ماده ۶۶- وکیل معاضدتی مکلف است نسبت به تنظیم وکالتنامه اقدام و نسخه‌ای از آن را به اداره معاضدت ارسال کند. وکیل معاضدتی از ابطال تمبر مالیاتی و سایر هزینه‌های مربوط معاف است.

ماده ۶۷- وکیل معاضدتی مکلف است با توجه به نوع کار ارجاعی، اقدام لازم را در اسرع وقت انجام داده و گزارش کار را همراه با تصویری از دادخواست یا لوایح به اداره معاضدت ارسال کند.

ماده ۶۸- نمونه تقاضانامه و قرارداد حق‌الوکاله و سایر اوراق مربوط به اداره معاضدت را کانون ملی تعیین خواهد کرد.

بخش ششم- حقوق و تکالیف حرفه‌ای وکیل

گفتار اول- حقوق حرفه‌ای وکیل

ماده ۶۹- وکیل در مقام انجام وظیفه وکالتی و دفاع، از همان احترام و شأن قاضی برخوردار است. مراجع قضائی و شبه قضائی و اداری مکلفند در صورت مراجعه وکیل، مطابق شئون حرفه‌ای وکالت با وی رفتار کنند. متخلف از این امر توسط دادگاه به سه تا شش ماه انفصال از خدمت محکوم می‌شود. در صورتی که مقام قضائی مرتکب این امر شود، دادگاه انتظامی قضات او را به یک درجه تنزل رتبه شغلی محکوم می‌کند.

ماده ۷۰- هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا به محرومیت از اشتغال به وکالت محکوم کرد، مگر به موجب رأی قطعی مراجع صالح مطابق این قانون.

ماده ۸۲- دارندگان پایه‌های قضائی و کارکنان اداری دادگستری و مراجع قضائی غیر دادگستری تا سه سال بعد از بازنشستگی یا قطع رابطه استخدامی نمی‌توانند در حوزه‌های قضائی چهار سال آخر خدمت خود وکالت نمایند.

تبصره- کلیه کسانی که کمتر از دو سال سابقه قضائی دارند، از شمول مقررات این ماده مستثنی هستند. همچنین، کلیه دارندگان پایه‌های قضائی که حوزه عملکرد آنان کل کشور است و یا حوزه عملکرد معینی ندارند مانند قضات دیوان عالی کشور، مشروط بر این که حداقل سه سال در سمتهای مزبور اشتغال به خدمت داشته باشند، از شمول مقررات این ماده مستثنی هستند.

ماده ۸۳- وکیل نباید نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه داشتن سمت قضائی یا اداری یا داوری یا کارشناسی در آن دخالت یا اظهارنظر کرده است، قبول وکالت یا مشاوره کند.

ماده ۸۴- وکیل نباید علیه هیچ شخص حقیقی یا حقوقی که مشاور آن است، قبول وکالت یا مشاوره کند.

تبصره- وکیل در صورت قطع رابطه همکاری با اشخاص مزبور نیز نباید تا سه سال وکالت یا مشاوره علیه آنها را بپذیرد.

ماده ۸۵- وکیل نمی‌تواند بعد از استعفاء یا معزول شدن یا انتفاء وکالت، از طرف مقابل دعوی یا شخص ثالث، در آن دعوی یا دعاوی مرتبط با آن قبول وکالت یا مشاوره کند.

۲- انجام وکالت و حفظ منافع موکل

- ماده ۸۶- وکیل باید استقلال حرفه‌ای خود را حفظ کند. او نباید در هیچ شرایطی بر حسب خواسته موکل یا به منظور جلب منافع بیشتر او اقدامی کند که بر خلاف قوانین و مقررات جاری کشور باشد.
- ماده ۸۷- وکیل باید در جریان تنظیم اسناد و قراردادها برای افرادی که متفقاً به وی مراجعه می‌کنند، موازین حقوقی و اصل بی طرفی را رعایت کند.
- ماده ۸۸- وکیل نباید در هیچ‌یک از مراحل دعوا، مانع استقرار صلح و سازش میان اصحاب دعوا شود.
- ماده ۸۹- وکیل نباید در امر مورد اختلاف به هر دو طرف، نظر مشورتی دهد.
- ماده ۹۰- وکیل نباید بدون اطلاع وکیل طرف مقابل با موکل وی مستقیماً مذاکره کند.
- ماده ۹۱- وکیل موظف به حفظ اسراری است که به اقتضاء شغل وکالت از آن مطلع شده است.
- ماده ۹۲- وکیل نباید با طرف موکل خود تبانی و حق موکل خود را تضییع کند.
- ماده ۹۳- وکیل باید پیش از تنظیم قرارداد حق الوکاله، اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امور موضوع وکالت به ویژه در اقامه دعوی کیفری، به موکل خاطر نشان کند.
- ماده ۹۴- وکیل باید پس از ابلاغ حکم یا قرار یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا پرداخت هزینه‌ای از طرف موکل است، فوراً موضوع را به موکل یا نماینده او اطلاع دهد.

ماده ۹۵- وکیل مکلف است در جلسه دادرسی حضور یابد مگر این که در دو یا چند دادگاه اعم از کیفری و غیر آن دعوت شده باشد و جمع بین اوقات ممکن نباشد که در این صورت باید حضور در دادگاه کیفری را مقدم بدارد و به دادگاه یا دادگاه‌های دیگر لایحه بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام کند. در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه غیر کیفری دعوت شده باشد و جمع بین اوقات ممکن نباشد، باید در دادگاهی که حضور خود را لازم می‌داند حاضر شود و به دادگاه‌های دیگر لایحه بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام کند. جلسه رسیدگی در هر حال از این جهت تجدید نخواهد شد مگر آن که حضور وکیل در دادگاه ضروری باشد که در این صورت اگر حق توکیل داشته باشد می‌تواند به دادگاه مذکور وکیل دیگری بفرستد و الا نسخه دوم اخطاریه دادگاه کیفری را ضمن لایحه برای اعتذار از حضور، تقدیم دادگاه می‌کند. در صورت اخیر، جلسه فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد.

تبصره- وکیل باید دادگاه کیفری یک را بر دادگاه کیفری دو مقدم کند و در صورتی که در دو یا چند دادگاه کیفری هم‌عرض دعوت شده باشد حضور وکیل در هر یک از دادگاه‌های مذکور بر حسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود.

ماده ۹۶- وکیل نباید موجب اختلال در نظم جلسه دادگاه شود و باید در مقام دفاع به طور شفاهی یا کتبی، احترام دادگاه و نزاکت را رعایت کند.

ماده ۹۷- وکیل نباید به هیچ وجه شاهی را برای بیان شهادت کذب یا اظهارات ناصحیح تشویق کند.

ماده ۹۸- وکیل نباید عالمأ به قاضی یا کارشناس یا اشخاصی که به ترتیبی در رسیدگی قضائی در دعوا یا شکایت مداخله دارند، اطلاعات غیر واقعی ارائه کند.

ماده ۹۹- وکیل نباید به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای رد قاضی یا داور یا وکیل طرف مقابل، یا به منظور اطاله دادرسی به وسایل خدعه آمیز متوسل شود.

ماده ۱۰۰- وکیل باید استعفاء خود را به موکل و دادگاه اطلاع دهد. هرگاه وکیل بخواهد پس از صدور حکم علیه موکل یا در موقع ابلاغ دادنامه غیر قطعی به وی، استعفاء کند، باید نسبت به دادنامه مزبور، اگرچه به طور ناقص، تجدیدنظر خواهی کند و سپس استعفاء خود را کتباً به اطلاع دادگاه و موکل برساند.

ماده ۱۰۱- عزل یا استعفاء یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی به عمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب، دادگاه به رسیدگی ادامه می دهد.

۳- امور مربوط به تنظیم و اجراء قرارداد، اداره دفتر و ارتباط با کانون ماده ۱۰۲- در صورتی که میزان حق الوکاله بیشتر یا کمتر از تعرفه قانونی باشد، تنظیم قرارداد حق الوکاله و تسلیم نسخه ای از آن به موکل، دفتر دادگاه و اداره امور مالیاتی محل اقامت وکیل الزامی است.

ماده ۱۰۳- وکیل نباید حق الوکاله خود را بر مبنای مشارکت در محکوم‌به تعیین کند. منظور از مشارکت در محکوم‌به، توافق وکیل و موکل برای شرکت در بخشی از نتیجه دعوی است. تعیین حق الوکاله به مأخذ ارزش خواسته، مشارکت در محکوم‌به تلقی نمی‌شود.

ماده ۱۰۴- مشارکت وکیل با اشخاص فاقد پروانه معتبر وکالت در قرارداد حق الوکاله ممنوع است.

ماده ۱۰۵- وکیل نمی‌تواند ضمن قرارداد حق الوکاله، هزینه دادرسی دعوا را نیز متقبل شود.

ماده ۱۰۶- وکیل نباید از موکل وکالت نامه سفید امضاء اخذ کند. همچنین وکیل نمی‌تواند قبل از تنظیم وکالتنامه، قرارداد حق الوکاله با موکل تنظیم کند و وجهی را بابت حق الوکاله از وی دریافت کند.

ماده ۱۰۷- وکیل باید دارای دفتری باشد که کلیه پرداخت‌هایی را که از طرف موکلان یا متقاضیان مشاوره انجام می‌گیرد و همچنین کلیه اسنادی را که از ایشان دریافت می‌کند با ذکر مشخصات کامل در این دفتر ثبت و با ذکر شماره ثبت و تاریخ، به آنان رسید بدهد. این دفتر توسط کانون ملی طراحی و به همه کانون‌های محلی ابلاغ می‌شود. دفتر مزبور به وسیله رئیس کانون محلی شماره گذاری و امضاء خواهد شد.

ماده ۱۰۸- وکیل باید سوابق دعاوی موکلان خود را تا ده سال پس از مختومه شدن پرونده نگهداری کند و دارای دفتر ثبت و بایگانی منظم باشد.

ماده ۱۰۹- وکیل باید از ثبت خلاف واقع، الحاق و امحاء مندرجات دفاتر مقرر برای وکلاء خودداری کند. این دفاتر باید مانند دفاتر ثبت اسناد تنظیم و تا ده سال پس از تکمیل تمام اوراق آن، نگهداری و در صورت تعطیلی دفتر وکالت، به کانون تحویل شود.

ماده ۱۱۰- دریافت هر وجه یا مالی از موکل علاوه بر حق الوکاله و هزینه‌های دادرسی یا گرفتن سند رسمی یا غیررسمی به هر اسم و عنوان از وی ممنوع است.

ماده ۱۱۱- وکیل باید صورت کامل و دقیقی از تمام هزینه‌های انجام شده در جریان دعوا را حسب درخواست موکل به وی تسلیم کند.

ماده ۱۱۲- وکیل باید اموال و سپرده‌های وصولی به نام موکل را پس از تصفیه حساب در قبال اخذ رسید به موکل مسترد کند.

ماده ۱۱۳- وکیل باید برای هر موکل پرونده‌ای تشکیل دهد که متضمن کلیه اقدامات انجام شده به وسیله دفتر وکالت برای موکل باشد و به طور منظم بایگانی شود.

ماده ۱۱۴- وکیل باید نشانی محل دفتر خود را کتباً به کانون اطلاع دهد و در صورت تغییر نشانی، ظرف ده روز مراتب را به اطلاع کانون برساند.

ماده ۱۱۵- وکیل باید به منظور جلوگیری از هرگونه اقدام غیر قانونی به وسیله کارآموزان و کارکنان شاغل در دفتر خود، نسبت به اعمال آنان در راستای امر وکالت که در دفتر وکالت انجام می‌گیرد، نظارت داشته باشد.

ماده ۱۱۶- وکیل بعد از انقضای مدت اعتبار پروانه وکالت، بدون تمدید آن، حق قبول یا ادامه وکالت را ندارد. وی مکلف است حداکثر تا پایان آبان ماه هر سال، برای تمدید پروانه وکالت خود اقدام کند.

ماده ۱۱۷- وکلا و کارآموزان باید از ارتکاب اعمال و اشتغال به مشاغلی که منافای با حیثیت و شئون وکالت است، خودداری کنند.

ماده ۱۱۸- نمایندگی مجلس شورای اسلامی و عضویت در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و شوراهای اسلامی شهر و روستا برای وکلاء ممنوع است. همچنین انعقاد هرگونه قرارداد کار یا استخدام مابین دولت، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و کلیه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، با وکلاء ممنوع است مگر برای مشاوره یا وکالت در مورد معین یا انجام امور پژوهشی و آموزشی.

تبصره ۱- عضویت هیأت علمی اعم از رسمی، پیمانی یا قراردادی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای وکلاء مجاز است.

تبصره ۲- دارندگان پروانه وکالت و کارشناسی رسمی دادگستری باید ظرف شش ماه از لازم الاجراء شدن این قانون یکی از پروانه‌های خود را تحویل دهند. متخلف از این حکم به مجازات انتظامی ابطال پروانه کارشناسی محکوم می‌شود.

ماده ۱۱۹- وکیلی که قصد اشتغال به هر کدام از موارد مندرج در ماده قبل را دارد باید پیش از شروع به کار، پروانه وکالت خود را تا زمان قطع اشتغال، نزد کانون مربوط تودیع کند.

ماده ۱۲۰- متقاضی وکالت باید در جریان اخذ پروانه وکالت، اطلاعات واقعی به کانون ارائه کند، در غیر این صورت پروانه وکالت وی به درخواست دادستان انتظامی به وسیله دادگاه انتظامی وکلاء محل صدور پروانه پس از رسیدگی، ابطال می‌شود.

ماده ۱۲۱- چنانچه کارآموز یا وکیل، بعد از شروع کارآموزی یا اخذ پروانه وکالت، فاقد یکی از شرایط لازم برای ورود به حرفه وکالت یا ادامه اشتغال به وکالت شود، مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ فقدان شرط مربوطه، مراتب را به کانون اعلام و اگر پروانه وکالت اخذ کرده است، آن را تسلیم کانون کند. در غیر این صورت به مجازات انتظامی درجه هفت محکوم می‌شود.

ماده ۱۲۲- وکیل باید وکالت‌های معاضدتی و تسخیری و اموری را که بر اساس قوانین از طرف کانون ملی یا محلی به وی محول می‌شود، بپذیرد و با جدیت انجام دهد و از جریان امور محوله، واحد مربوط را مطلع کند.

ماده ۱۲۳- کارآموزان و وکلا باید در دوره‌های آموزشی که بنا به تشخیص کانون ملی و محلی برای کارآموزان وکلائی دادگستری برگزار می‌شود، شرکت کنند.

تبصره- کانون محلی می‌تواند تمدید پروانه کارآموزان یا وکلای را با توجه به میزان تحصیلات، سابقه اشتغال به وکالت، سن و سایر عوامل مؤثر در موضوع، مشروط به گذراندن تمام یا برخی از دوره‌های آموزشی مذکور کند.

ماده ۱۲۴- وکیل نباید بدون عذر موجه از قبول سرپرستی کارآموزانی که به وسیله کانون محلی مربوطه به وی معرفی می‌شوند، امتناع کند.

ماده ۱۲۵- وکیل یا کارآموز باید کلیه اوراق ارسالی از طرف کانون اعم از نامه، اخطار، کیفرخواست، دادنامه و غیره را که به‌وسیله مأمور یا پست فرستاده می‌شود، قبول کند و عندالاقضاء رسید بدهد.

ماده ۱۲۶- وکیل یا کارآموز مورد تعقیب باید به شکایت‌ها و اعلامات انتظامی در مواعد تعیین شده پاسخ دهد و حسب دعوت دادسرا و دادگاه در آنجا حضور یابد مگر در موارد عذر موجه موضوع ماده (۳۰۶) قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی.

ماده ۱۲۷- وکیل باید کلیه مکاتبات خود را با استفاده از سربرگی که حاوی نام، نام‌خانوادگی، درجه وکالت، نشانی دفتر، شماره تلفن، شماره عضویت و کانون محلی مربوط وی باشد، انجام دهد و از قید عناوین شغلی سابق و فعلی خود در آنها اجتناب کند. قید عناوین دکتری و عضویت هیأت علمی دانشگاه برای دارندگان آن مجاز است.

تبصره ۱- رعایت مفاد این ماده در مورد کارت شغلی و تابلوی وکلای دادگستری نیز الزامی است.

تبصره ۲- رعایت مفاد این ماده در مورد کارآموزان وکالت دادگستری نیز الزامی است. کارآموزان وکالت بعد از نیمه اول کارآموزی از حق چاپ و انتشار سربرگ و کارت شغلی با قید عبارت «کارآموز» برخوردارند و می‌توانند با اذن وکیل سرپرست خود، نشانی دفتر او را در سربرگ و کارت شغلی خویش ذکر کنند و در تمام مدت کارآموزی از حق تهیه و نصب تابلو ممنوع هستند.

ماده ۱۲۸- وکیل باید در صورت تعلیق موقت یا تنزیل درجه، به درخواست دادسرای انتظامی وکلا، بلافاصله پروانه وکالت خود را به کانون تحویل دهد تا حسب مورد تا پایان مدت تعلیق، ضبط و یا مراتب تنزیل درجه در آن قید شود.

ماده ۱۲۹- در صورت تنزیل درجه، وکیل موظف است در تابلو، کارت شغلی و سربرگ‌های خود، درجه وکالت خویش را اصلاح کند.

ماده ۱۳۰- وکیل یا کارآموز باید کلیه نظاماتی را که حسب مورد کانون ملی یا محلی مربوط در ارتباط با وظایف آنان تصویب می‌کند، رعایت کند.

ماده ۱۳۱- وکیل باید تعهدات مالی خود را نسبت به کانون و صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری در سررسید مقرر ایفاء کند.

تبصره- هیأت مدیره کانون‌های محلی مکلفند تعهدات مالی کانون مربوط را نسبت به صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری ایفاء کنند. اعضاء مؤثر هیأت مدیره در قبال عدم انجام این تعهد، مسؤولیت انتظامی دارند.

بخش هفتم - مقررات انتظامی

گفتار اول - مجازات انتظامی

ماده ۱۳۲ - مجازاتهای انتظامی به ترتیب زیر است:

- ۱- توبیخ بدون درج در پرونده،
- ۲- توبیخ با درج در پرونده،
- ۳- توبیخ با درج در پرونده، خبرنامه و روزنامه کانون ملی موضوع بند (۷) ماده (۲۴)،
- ۴- تعلیق از وکالت از سه ماه تا سه سال،
- ۵- تنزیل درجه،
- ۶- محرومیت موقت از شغل وکالت از یک تا پنج سال،
- ۷- محرومیت دائم از شغل وکالت.

ماده ۱۳۳ - متخلفان از تکالیف موضوع مواد زیر به یکی از مجازاتهای

انتظامی درجه یک تا سه محکوم می‌شوند:

۱۰۸- ۱۰۷- ۱۰۶- ۱۰۵- ۱۰۳- ۱۰۱- ۹۵- ۸۸- ۸۰- ۶۶- ۶۴- ۵۸- ۳۹)

۱۱۳- ۱۱۴- ۱۱۵- ۱۱۶- ۱۱۷- ۱۲۴- ۱۲۵- ۱۲۶- ۱۲۷- ۱۳۰)

ماده ۱۳۴ - متخلفان از تکالیف موضوع مواد زیر به یکی از مجازاتهای

انتظامی درجه سه تا پنج محکوم می‌شوند:

۵۶- ۷۴- ۷۵- ۷۶- ۷۷- ۷۹- ۸۱- ۸۲- ۸۳- ۸۴- ۸۵- ۸۶- ۸۷- ۸۹- ۹۰-

۹۳- ۹۴- ۹۶- ۹۷- ۹۸- ۹۹- ۱۰۰- ۱۰۲- ۱۰۴- ۱۰۹- ۱۱۰- ۱۱۱- ۱۱۲-

۱۱۸- ۱۱۹- ۱۲۲- ۱۲۸- ۱۲۹- ۱۳۱)

ماده ۱۳۵ - متخلفان از تکالیف موضوع مواد زیر به یکی از مجازاتهای

انتظامی درجه پنج تا هفت محکوم می‌شوند: (۷۸- ۹۱- ۹۲)

ماده ۱۳۶- صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت و کیل به ارتکاب جرایم موجب حد، قصاص نفس، اعدام، حبس ابد و جرایم کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت غیر حدی و رشا و نیز عدم رعایت مفاد ماده (۱۲۱) این قانون موجب مجازات انتظامی درجه هفت است.

ماده ۱۳۷- در صورت تخلف هریک از اعضاء هیأت مدیره کانونهای وکلاء دادگستری از تکالیفی که این قانون برعهده آنها نهاده است، به حکم هیأت عمومی انتظامی وکلاء، علاوه بر محرومیت دائم از عضویت در هیأت‌های مدیره کانونهای وکلاء به تعلیق از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۱۳۸- ارتکاب تخلفات متعدد مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی است. چنانچه تخلفات ارتکابی دارای مجازات‌های متفاوتی باشند، مجازات تخلفی تعیین می‌شود که شدیدتر است.

ماده ۱۳۹- چنانچه تخلفی که قبلاً برای آن مجازات تعیین شده تکرار شود، مرتکب به مجازات حداقل یک درجه و حداکثر دو درجه شدیدتر از مجازات تعیین شده قبلی، محکوم می‌شود.

گفتار دوم- دادسرا، دادگاه و هیأت عمومی انتظامی

ماده ۱۴۰- به منظور رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارآموزان وکالت در هر کانون محلی، دادگاه انتظامی به ترتیب مقرر در مواد آتی تشکیل می‌شود.

ماده ۱۴۱- دادگاه انتظامی وکلاء می‌تواند بنا به تشخیص هیأت مدیره کانون شعب متعدد داشته باشد. در صورت تعدد شعب ریاست شعب با رئیس

شعبه اول خواهد بود. هر شعبه دادگاه انتظامی از سه وکیل پایه یک به انتخاب هیأت مدیره کانون که دارای شرایط زیر باشند تشکیل می‌شود:

- ۱- داشتن حداقل چهل و پنج سال سن،
 - ۲- داشتن حداقل پانزده سال سابقه قضاوت و وکالت که حداقل ده سال آن وکالت پایه یک باشد،
 - ۳- نداشتن سابقه محکومیت کیفری مؤثر و هرگونه محکومیت انتظامی،
 - ۴- التزام عملی به قانون اساسی و ولایت فقیه و احکام اسلامی.
- تبصره ۱- ریاست شعبه با فردی است که طولانی‌ترین سابقه قضائی- وکالتی را داشته باشد.
- تبصره ۲- مدت عضویت اعضاء دادگاه انتظامی وکلاء چهارسال است. انتخاب مجدد آنها برای یک دوره متوالی بلامانع است.
- تبصره ۳- مرجع استعلام در خصوص شرایط مندرج در این ماده همان مراجع مذکور در ماده (۹) این قانون می‌باشند.
- ماده ۱۴۲- هیأت مدیره کانون، علاوه بر انتخاب سه عضو اصلی، دو عضو علی‌البدل را نیز با شرایط مقرر در این قانون برای هر شعبه دادگاه انتخاب خواهد کرد تا در موارد رد یا غیبت اعضاء اصلی جایگزین آنان شوند. این امر مانع از آن نیست که رئیس شعبه انجام بعضی امور غیر از دادرسی و صدور رأی را به اعضاء علی‌البدل ارجاع کند. اعضاء اصلی و علی‌البدل موظفند در جلسات رسیدگی حضور یابند مگر این‌که عذر موجهی داشته باشند.

ماده ۱۴۳- دادسرای انتظامی وکلاء در کنار هر دادگاه انتظامی وکلاء تشکیل می‌شود. ریاست دادسرا با دادستان است و می‌تواند به تعداد لازم معاون و دادیار داشته باشد. معاونان و دادیاران در امر تعقیب و رسیدگی تحت نظارت و تعلیمات دادستان اقدام می‌کنند.

ماده ۱۴۴- دادستان انتظامی وکلاء به وسیله هیأت مدیره از میان وکلایی که دارای شرایط مقرر برای اعضاء دادگاه انتظامی باشند، برای مدت چهارسال انتخاب می‌شود. انتخاب مجدد دادستان برای یک دوره متوالی بلامانع است.

ماده ۱۴۵- معاونان دادستان و دادیاران به پیشنهاد دادستان و تصویب هیأت مدیره از بین وکلایی که دارای شرایط زیر باشند انتخاب می‌شوند:

۱- داشتن حداقل سی سال سن،

۲- داشتن حداقل پنج سال سابقه اشتغال به وکالت پایه یک یا سه‌سال وکالت و دوسال قضاوت،

۳- نداشتن محکومیت انتظامی درجه سه و بالاتر و محکومیت کیفری مؤثر. تبصره- در صورت تعدد معاونان یک نفر از آنان به پیشنهاد دادستان و تصویب هیأت مدیره به عنوان جانشین دادستان تعیین خواهد شد.

ماده ۱۴۶- هیأت عمومی دادگاه انتظامی وکلاء از رؤسای شعب اول دادگاه‌های انتظامی کانونهای محلی تشکیل می‌شود. رئیس هیأت عمومی به وسیله اعضاء هیأت برای دو سال انتخاب می‌شود. انتخاب مجدد وی برای یک دوره متوالی بلامانع است. جلسات هیأت با حضور دو سوم اعضاء رسمیت می‌یابد و رأی اکثریت حاضران ملاک تصمیم‌گیری است.

ماده ۱۴۷- دادستان کل انتظامی وکلاء از میان واجدان شرایط عضویت در دادگاه انتظامی وکلاء توسط هیأت عمومی کانون ملی برای مدت سه سال انتخاب می شود که انتخاب او برای یک دوره متوالی بلامانع است. رسیدگی به تخلفات دادستان کل انتظامی وکلاء در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات است.

ماده ۱۴۸- تخلفات رئیس و اعضاء شورای اجرائی و بازرسان کانون ملی و رئیس و اعضاء هیأت مدیره و بازرسان کانونهای محلی، قضات دادگاه انتظامی وکلاء، دادستانها، دادیاران و معاونان دادرسی انتظامی مذکور، در مورد تکالیف حرفه ای مربوط به وکالت و نیز وظایف مربوط به اجراء این قانون، با تعقیب دادستان کل انتظامی وکلاء شروع می شود و در هیأت عمومی دادگاه انتظامی مورد رسیدگی قرار می گیرد.

گفتار سوم- آئین رسیدگی انتظامی

ماده ۱۴۹- تعقیب انتظامی وکیل یا کارآموز با شکایت شاکی خصوصی یا اطلاع دادستان انتظامی وکلاء آغاز می شود.

تبصره- گذشت شاکی خصوصی مانع تعقیب انتظامی نیست.

ماده ۱۵۰- مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی دو سال است.

ماده ۱۵۱- حضور همزمان طرفین در جریان تحقیقات مقدماتی دادرسی انتظامی، موکول به نظر مقام رسیدگی کننده به پرونده است.

ماده ۱۵۲- کلیه شکایات و گزارش‌ها در مورد تخلفات و کلاء و کارآموزان، باید در دبیرخانه کانون مربوط ثبت و بلافاصله نزد دادستان انتظامی ارسال شود. به دستور دادستان یک نسخه از تصویر شکوائیه یا گزارش و مستندات آن برای وکیل یا کارآموز مورد تعقیب از طریق پست پیشتاز دو قبضه فرستاده یا حضوراً به وی تحویل می‌شود تا ظرف ده روز از تاریخ تحویل، پاسخ خود را به دفتر دادرسی تسلیم کند.

ماده ۱۵۳- اوراق پرونده‌های انتظامی شماره‌گذاری می‌شود. شاکای و وکیل مورد تعقیب می‌توانند به هزینه خود از آنها تصویر تهیه کنند.

ماده ۱۵۴- پس از وصول پاسخ شکوائیه یا گزارش و یا انقضای مدت مقرر جهت ارسال پاسخ و عدم وصول پاسخ از ناحیه وکیل مورد تعقیب، دادستان یا جانشین وی پرونده را جهت رسیدگی به یکی دادیاران ارجاع می‌کند.

تبصره ۱- چنانچه در جریان رسیدگی، دادیار از تخلفات دیگر وکیل مورد تعقیب مطلع شود، مراتب را به دادستان اعلام خواهد نمود. در صورت موافقت وی وکیل مزبور از این جهت نیز تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲- جهات رد دادستان، معاونان و دادیاران همان است که برای اعضاء دادگاه انتظامی تعیین شده است.

ماده ۱۵۵- دادرسی می‌تواند در جهت رسیدگی به شکایات یا اعلاماتاصله در مورد وکلاء و کارآموزان از مراجع قضائی و دولتی و کلیه نهادهای عمومی، اطلاعات و تصویر اسناد لازم را مطالبه کند. مراجع مزبور مکلفند اطلاعات و اسناد مورد مطالبه دادرسی را ظرف ده روز در اختیار دادرسی قرار دهند

مگر آن‌که از اسناد خیلی محرمانه و بالاتر باشند. در این صورت مقامی که سند مربوطه را در اختیار دارد، مکلف است اطلاعات مورد نظر دادسرا را خارج‌نویسی کرده و به نحوی که مخالف مصالح کشور نباشد به دادسرا اعلام کند. همچنین دادستان می‌تواند به یکی از دادیاران مأموریت دهد از پرونده وکیل مورد تعقیب در مراجع یاد شده گزارش تهیه کند.

تبصره - عدم همکاری در این مورد تخلف اداری موضوع بند(۱۴) ماده(۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب(۱۳۷۲) محسوب و مرتکب به مجازات اداری مندرج در بند(د) ماده(۹) قانون مزبور محکوم خواهد شد.

ماده ۱۵۶ - تعقیب انتظامی وکیل مانع تعقیب کیفری و طرح دعوای مدنی علیه وی نیست. در مواردی که موضوع شکایت از موارد موضوع ماده (۱۳۶) این قانون باشد، دادسرا تعقیب انتظامی را منوط به رسیدگی به جنبه کیفری موضوع در مراجع قضائی کرده و مراتب را به شاکی اعلام می‌کند. چنانچه شاکی ظرف بیست روز از تاریخ اعلام، شکایت خود را در مرجع صالح مطرح و گواهی مربوط را به دادسرای انتظامی تسلیم نماید رسیدگی به پرونده تا اتخاذ تصمیم قطعی قضائی نسبت به شکایت کیفری شاکی متوقف می‌شود. در صورتی که جرم بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب نباشد و شاکی ظرف مهلت مقرر در این ماده گواهی مورد نظر را ارائه نکند، پرونده بایگانی می‌شود و آغاز مجدد رسیدگی موقوف به مراجعه شاکی پیش از تحقق مرور زمان موضوع ماده(۱۵۰) این قانون خواهد بود و در این صورت دادسرا بدون توجه به جنبه کیفری موضوع، رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد کرد.

در صورتی که جرم بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب باشد دادسرای انتظامی رأساً به دادسرای عمومی اعلام جرم خواهد کرد.

ماده ۱۵۷- در صورت فوت یا جنون وکیل مورد تعقیب یا شمول مرور زمان یا عدم احراز تخلف، تعقیب انتظامی متوقف و قرار موقوفی تعقیب وکیل مربوطه صادر می شود.

تبصره- در صورتی که وکیل مجنون پیش از حصول مرور زمان افاقه حاصل کند، تعقیب انتظامی ادامه می یابد.

ماده ۱۵۸- قرارهای صادره در دادسرای انتظامی به طرفین و رئیس کانون ابلاغ می شود تا چنانچه اعتراضی دارند ظرف ده روز کتباً به دادسرا تسلیم کنند. در این صورت پرونده به دادگاه انتظامی کانون فرستاده می شود. چنانچه دادگاه اعتراض را وارد تشخیص دهد، رأساً رسیدگی و رأی مقتضی صادر می کند. در غیر این صورت قرار صادره را تأیید خواهد کرد. تصمیم دادگاه مبنی بر تأیید قرار دادسرا قطعی است.

ماده ۱۵۹- دادیار انتظامی پس از رسیدگی، عقیده خود را ابراز می کند. هرگاه دادستان با نظر دادیار در مورد تعقیب انتظامی وکیل موافق باشد کیفرخواست تنظیم و پرونده از طریق دفتر دادستان جهت ارجاع به یکی از شعب دادگاه به نظر رئیس دادگاه انتظامی وکلاء می رسد.

هرگاه بین دادیار و دادستان توافق عقیده نباشد (یکی عقیده به تعقیب انتظامی یا موقوفی و یا منع تعقیب وکیل و دیگری عقیده عکس آن را داشته

باشد) رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه انتظامی وکلاء به عمل می‌آید و موافق تصمیم دادگاه رفتار می‌شود.

ماده ۱۶۰- دادستان انتظامی در صورت احراز تخلفی که مستوجب مجازات‌های انتظامی تا درجه سه باشد چنانچه شاکی انتظامی نداشته یا شاکی از شکایت خود صرف‌نظر کرده باشد، می‌تواند در صورت نداشتن سابقه محکومیت انتظامی برای یک بار قرار تعلیق تعقیب صادر کند. قرار صادره از جانب وکیل تحت تعقیب، در دادگاه انتظامی وکلاء قابل اعتراض است.

ماده ۱۶۱- کیفرخواست باید در دو نسخه تنظیم و متضمن عنوان و دلایل تخلف و تاریخ وقوع آن و مواد استنادی باشد. دفتر دادگاه انتظامی وکلاء نسخه دوم کیفرخواست را جهت ابلاغ به وکیل مورد تعقیب، به ترتیب مقرر در ماده (۱۵۲) ارسال خواهد کرد تا پاسخ کتبی خود را ظرف مهلت‌های مقرر در همان ماده تسلیم دفتر دادگاه نماید.

ماده ۱۶۲- پس از وصول پاسخ یا انقضاء مهلت مقرر، حسب دستور رئیس دادگاه انتظامی وکلاء، برای پرونده وقت نوبتی تعیین می‌شود. چنانچه در وقت تعیین شده پرونده معد برای اتخاذ تصمیم باشد حکم مقتضی نسبت به مورد صادر خواهد شد و هرگاه دادگاه اخذ توضیح از هریک از طرفین را لازم بداند و یا بنابه درخواست یکی از طرفین با تعیین وقت رسیدگی، طرفین را دعوت می‌نماید.

ماده ۱۶۳- عدم حضور هریک از طرفین، مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود.

ماده ۱۶۴- تشکیل جلسه دادگاه انتظامی وکلاء منوط به حضور حداقل دو نفر از اعضاء دادگاه است و اتخاذ تصمیم همواره با نظر اکثریت اعضاء امکان پذیر می باشد.

ماده ۱۶۵- در صورتی که دادگاه انتظامی وکلاء در امر رسیدگی نقایصی در پرونده مشاهده نماید می تواند ضمن تعیین موارد نقص، رفع آنها را از دادرسی انتظامی وکلاء بخواهد. دادسرا بر اساس نظر دادگاه نقایص مزبور را رفع و بدون اظهار نظر جدید پرونده را به دادگاه اعاده خواهد نمود.

ماده ۱۶۶- عضو دادگاه انتظامی وکلاء در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین نیز می توانند او را رد کنند:

۱- عضو دادگاه دارای قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با وکیل مورد تعقیب یا موکل وی و یا شاکی یا همسر یا والدین یا فرزندان آنها باشد.

۲- عضو دادگاه قبلاً یا در زمان رسیدگی وکیل پرونده ای باشد که وکیل مورد تعقیب یا شاکی در آن به عنوان وکیل دخالت داشته است.

۳- بین عضو دادگاه و اقرباء وی تا درجه دوم از طبقه سوم با وکیل مورد تعقیب یا موکل وی یا شاکی، دعاوی حقوقی یا جزائی مطرح باشد و یا این دعاوی منتهی به صدور حکم شده باشد و از تاریخ صدور حکم قطعی، کمتر از پنج سال گذشته باشد.

۴- عضو دادگاه قبلاً به واسطه سمت در دادسرا یا دادگاه انتظامی وکلاء، سمت قضائی، داورى یا کارشناسی نسبت به موضوع اظهار نظر کتبی کرده باشد.

ماده ۱۶۷- دادگاه انتظامی وکلاء فقط به تخلفات اعلام شده در حدود کیفرخواست رسیدگی می‌نماید و در صورت احراز تخلف تطبیق عمل انتسابی با مواد قانون با دادگاه است. در صورتی که دادگاه در حین رسیدگی تخلف دیگری را مشاهده نماید مراتب را جهت تعقیب و رسیدگی به دادسرای انتظامی وکلاء اعلام خواهد نمود.

ماده ۱۶۸- دادستان انتظامی وکلاء یا یکی از معاونان یا دادیاران به نمایندگی از وی می‌توانند به منظور دفاع از کیفرخواست و ادای توضیحات مورد نظر دادگاه انتظامی وکلاء در جلسه رسیدگی حضور یابند.

ماده ۱۶۹- احکام دادگاه انتظامی وکلاء مبنی بر محکومیت به مجازاتهای تا درجه دو قطعی و از درجه سه وبالاتر از طرف محکوم علیه قابل تجدید نظرخواهی است. همچنین دادستان انتظامی و شاکی حق درخواست تجدیدنظر از حکم برائت را دارند. مهلت اعتراض ده روز از تاریخ ابلاغ حضوری دادنامه به آنان یا ابلاغ آن به ترتیب مقرر در ماده (۱۵۲) این قانون است.

ماده ۱۷۰- مرجع تجدیدنظر احکام دادگاه انتظامی وکلاء و هیأت عمومی انتظامی وکلاء، دادگاه عالی انتظامی قضات است.

ماده ۱۷۱- در صورتی که رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور، رئیس یا دادستان انتظامی کانون مربوط به جهتی از جهات ادامه اشتغال وکیل و کارآموز مورد تعقیب را به کار وکالت یا کارآموزی مصلحت نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء کانون مربوط تعلیق موقت او را درخواست کند. هیأت مدیره نیز می‌تواند در صورت تصویب دوسوم اعضاء اصلی، تعلیق وکیل مورد

تعقیب را درخواست کند. در این صورت رئیس کانون محلی موضوع را جهت رسیدگی به دادگاه انتظامی وکلاء ارجاع می‌کند. دادگاه موظف است خارج از نوبت رسیدگی کند و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود، این رأی بلافاصله قابل اجراء است.

ماده ۱۷۲- وکیل یا کارآموز می‌تواند از رأی دادگاه انتظامی وکلاء مبنی بر تعلیق، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ درخواست تجدیدنظر نماید. در صورت رد درخواست تعلیق، درخواست کننده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ حق تجدیدنظر خواهی دارد.

تبصره- مدت تعلیق وکیل حداکثر سه ماه می‌باشد و پس از آن این مدت تنها برای یک بار با اعمال مجدد ماده قبل امکانپذیر است.

ماده ۱۷۳- در صورتی که علیه وکیل یا کارآموز به اتهام ارتکاب جرمی کیفرخواست صادر شود، دادستان عمومی و انقلاب صادره کننده کیفرخواست باید رونوشت آن را به کانون متبوع بفرستد. رئیس کانون رونوشت کیفرخواست را مستقیماً به دادگاه انتظامی وکلاء ارسال می‌دارد. در صورتی که دادگاه انتظامی دلایل را قوی و ادامه وکالت وکیل یا کارآموز را منافی با شؤن وکالت تشخیص دهد، رأی تعلیق موقت او را صادر می‌کند.

ماده ۱۷۴- چنانچه آراء صادره از شعب مختلف دادگاه انتظامی وکلاء هر کانون نسبت به موضوع واحد، متعارض باشد، حسب درخواست رئیس کانون ملی موضوع در هیأت عمومی دادگاه‌های انتظامی وکلاء مطرح می‌شود. هر یک

از دو رأی متعارض که مورد پذیرش اکثریت نسبی هیأت مزبور واقع گردد در امور مشابه برای شعب دادگاه انتظامی کانون‌ها لازم‌الاتباع است.

بخش هشتم - صندوق حمایت وکلاء دادگستری

ماده ۱۷۵ - وکلاء دادگستری طبق مقررات این قانون از طریق بیمه اجباری در برابر اثرات ناشی از پیری و ازکارافتادگی و فوت حمایت می‌شوند. بدین منظور صندوقی به نام «صندوق حمایت وکلاء دادگستری» که در این قانون صندوق نامیده می‌شود تشکیل می‌گردد. با تأسیس این صندوق، «صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری» منحل شده و کلیه دارایی‌ها و تعهدات آن به صندوق جدید منتقل می‌شود.

تبصره ۱ - اعضاء رسمی، پیمانی یا قراردادی هیأت علمی دانشگاه‌ها که پس از لازم الاجراء شدن این قانون به حرفه وکالت وارد می‌شوند، در عضویت صندوق منخیرند.

تبصره ۲ - وکلای که بر اساس ماده (۱۱۹) این قانون پروانه وکالت خود را تودیع می‌کنند، در صورتی که حق عضویت خود را برای مدت تودیع بپردازند، این مدت جزء سنوات عضویت آنها در صندوق محسوب خواهد شد. تبصره ۳ - اشخاصی که تاکنون به هر عنوان عضو صندوق بوده‌اند، عضویت آنها در صندوق ادامه می‌یابد.

ماده ۱۷۶ - صندوق دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و از پرداخت مالیات و عوارض معاف است.

ماده ۱۷۷- اساسنامه صندوق به وسیله وزراء دادگستری و رفاه و تأمین اجتماعی با همکاری کانون ملی وکلاء دادگستری تهیه شده و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۷۸- منابع مالی صندوق به شرح زیر است:

- ۱- حق بیمه‌ای که مشمولان این قانون مستقیماً به صندوق می‌پردازند.
- ۲- وجوهی که کانون ملی و کانونهای محلی به صندوق می‌پردازند.
- ۳- کمک‌ها و هدایایی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی به صندوق داده می‌شود.

۴- سود حاصل از درآمد وجوه صندوق.

ماده ۱۷۹- کسور بازنشستگی کلیه اشخاصی که قبل از بازنشستگی

مستعفی شده و پروانه وکالت گرفته‌اند، باید به صندوق واریز شود. سوابق خدمت این اشخاص به شرط پرداخت تمام حق بیمه سنوات مذکور با احتساب وجوه پرداختی بابت بازنشستگی متقاضی که به صندوق واریز شده است جزء سابقه عضویت آنها در صندوق محسوب خواهد شد.

کسور بازنشستگی کلیه اشخاصی که مبالغی را تحت این عنوان به مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه پرداخته‌اند باید به صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری منتقل شود. سوابق خدمت این اشخاص به شرط پرداخت تمام حق بیمه سنوات مذکور با احتساب وجوه پرداختی بابت بازنشستگی متقاضی که به صندوق واریز شده است جزء سابقه عضویت آنها در صندوق مذکور محسوب خواهد شد.

تبصره - در صورتی که برای متقاضی بازنشستگی به عنوان سهم کارفرما وجوهی در صندوق‌های بیمه دیگر پرداخت شده بر حسب تقاضای متقاضی به صندوق منتقل می‌شود.

ماده ۱۸۰- نرخ و ترتیب پرداخت حق بیمه از طرف بیمه شده و وجوه پرداختی کانونهای محلی و کانون ملی و شرایط استفاده از مزایا و میزان آن و نحوه بهره‌برداری از وجوه صندوق طبق آئین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد کانون ملی و به وسیله وزرای دادگستری و رفاه و تأمین اجتماعی تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۸۱- تمدید پروانه وکلاء مشمول این قانون موقوف به ارائه مفاسد حساب پرداخت حق بیمه است.

ماده ۱۸۲- وکلانی که طبق مقررات این قانون تقاضای بازنشستگی می‌کنند در صورتی با تقاضای آنها موافقت می‌شود که حق بیمه سنوات گذشته خود را به طور کامل به ترتیبی که در آیین‌نامه موضوع ماده (۱۸۰) این قانون تعیین می‌شود، پرداخته باشند.

ماده ۱۸۳- وکلانی که از مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی موضوع این قانون استفاده می‌کنند، حق وکالت ندارند.

تبصره- وکالت‌هایی که قبل از صدور حکم بازنشستگی به وکلاء بازنشسته داده شده و در جریان دادرسی است به قوت خود باقی و تعقیب دعاوی مذکور تا مرحله نهائی از طرف وکلاء بازنشسته بلامانع است.

ماده ۱۸۴- وکلاء دادگستری می‌توانند با رعایت ماده قبل و در صورت داشتن سی سال سابقه وکالت و یا دارا بودن حداقل ده سال سابقه وکالت و شصت سال سن و پرداخت حق بیمه به ترتیب مقرر در آئین‌نامه موضوع ماده (۱۸۰) این قانون تقاضای بازنشستگی نمایند.

تبصره- مدت کارآموزی وکلاء دادگستری جزء مدت سی سال مذکور در این ماده محسوب می‌شود.

ماده ۱۸۵- هرگونه برداشت یا تصرف غیر قانونی در وجوه یا اموال صندوق موجب صد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال جزای نقدی یا دو تا پنج سال حبس یا هر دو آنها خواهد بود.

بخش نهم- سایر مقررات

ماده ۱۸۶- در صورت فوت یا جنون وکیل، بنا به تقاضای اشخاصی که اوراق و اسنادی نزد وکیل داشته‌اند، رئیس کانون محلی مربوط دستور تحویل اوراق و اسناد مذکور را به صاحبان آنها می‌دهد. تحویل با تنظیم صورت مجلسی در حضور متصدی امور متوفی یا مجنون و در صورت استنکاف ایشان، در حضور نماینده رئیس حوزه قضائی مربوط، صورت می‌گیرد و نسخه‌ای از آن به متصدی مزبور داده می‌شود.

ماده ۱۸۷- هرگاه قضات دادگاه‌ها و دادسراهای دادگستری در اجراء مفاد این قانون، تخلف، اهمال و مسامحه‌ای مشاهده کنند یا وکیل را فاقد شرایط مقرر قانونی تشخیص دهند موظفند مراتب را به دادسرای انتظامی کانون محلی مربوطه گزارش دهند.

ماده ۱۸۸- وکلای معلق و اشخاص ممنوع‌الوکاله و به‌طور کلی کسانی که دارای پروانه وکالت نیستند به استثناء اشخاص موضوع ماده (۳۵) این قانون، از هرگونه تظاهر و مداخله در امر وکالت و تصدی به مشاوره حقوقی ممنوع هستند. متخلف به حبس تعزیری از شش ماه تا یک‌سال و جزاء نقدی از ده میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال محکوم می‌شود. در این مورد کانون محلی وکلاء نیز می‌تواند به عنوان شاکی خصوصی اقامه دعوا کند.

ماده ۱۸۹- هرکس به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین کند به حبس تعزیری از شش ماه تا یک‌سال محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹۰- مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه مکلف است ظرف سه ماه از تشکیل کانونهای محلی با همکاری این کانونها نسبت به انتقال پرونده‌ها و سوابق انتظامی و اداری کسانی که از این مرکز به دریافت پروانه وکالت نائل شده‌اند و همچنین افرادی که در آزمونهای این مرکز و یا مصاحبه علمی آن نمره قبولی کسب نموده و در حال گذراندن مراحل تعیین صلاحیت یا کارآموزی می‌باشند، به کانونهای محلی استان مربوطه اقدام نماید. با اتمام عملیات انتقال، مرکز فوق‌الذکر به «مرکز امور کارشناسان قوه قضائیه» تغییر نام یافته و اموالی که از وجوه واریزی وکلاء به حساب مرکز خریداری شده و وجوهی که در حساب مذکور باقیمانده است، به تناسب وکلاء هر استان بین کانونهای محلی تقسیم می‌شود.

ماده ۱۹۱- اتحادیه سراسری کانونهای وکلاء دادگستری ایران باید ظرف یک‌سال از لازم‌الاجراء شدن این قانون نسبت به ایجاد کانونهای محلی در

استان‌هایی که این کانونها تأسیس نشده‌اند و نیز نسبت به تشکیل کانون ملی بر اساس این قانون اقدام کند. با تشکیل کانون ملی، اتحادیه مذکور منحل می‌شود.

ماده ۱۹۲- آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن به وسیله وزیر دادگستری با همکاری اتحادیه سراسری کانونهای وکلاء دادگستری ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۹۳- با تصویب این قانون، قانون وکالت مصوب (۱۳۱۵)، لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء مصوب (۱۳۳۳)، قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری مصوب (۱۳۵۵) و قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب (۱۳۷۶) منسوخ و ملغی‌الآثر می‌شود. /

سوابق

قانون مدنی

مصوب ۶ بهمن و ۲۷ و ۲۱ اسفند ۱۳۱۳ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱۴ شمسی

فصل سیزدهم - در وکالت

مبحث اول - در کلیات

ماده ۶۵۶ - وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.

ماده ۶۵۷ - تحقق وکالت منوط به قبول وکیل است.

ماده ۶۵۸ - وکالت ایجاباً و قبولاً به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن کند واقع می‌شود.

ماده ۶۵۹ - وکالت ممکن است مجانی باشد یا با اجرت.

ماده ۶۶۰ - وکالت ممکن است به طور مطلق و برای تمام امور موکل باشد یا مقید و برای امر یا امور خاصی.

- ماده ۶۶۱ - در صورتی که وکالت مطلق باشد فقط مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود.
- ماده ۶۶۲ - وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را بجا آورد وکیل هم باید کسی باشد که برای انجام آن امر اهلیت داشته باشد.
- ماده ۶۶۳ - وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد.
- ماده ۶۶۴ - وکیل در محاکمه وکیل در قبض حق نیست مگر این که قرائن دلالت بر آن نماید و همچنین وکیل در اخذ حق وکیل در مرافعه نخواهد بود.
- ماده ۶۶۵ - وکالت در بیع وکالت در قبض ثمن نیست مگر این که قرینه قطعی دلالت بر آن کند.
- مبحث دوم - در تمهیدات وکیل
- ماده ۶۶۶ - هر گاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب می‌گردد مسئول خواهد بود.
- ماده ۶۶۷ - وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آن چه که موکل بالصراحتاً به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار او است تجاوز نکند.
- ماده ۶۶۸ - وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد و آن چه را که به جای او دریافت کرده است به او رد کند.
- ماده ۶۶۹ - هر گاه برای انجام امر دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچ یک از آنها نمی‌توانند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنمایند مگر این که هر یک مستقلاً وکالت داشته باشد در این صورت هر کدام می‌توانند به تنهایی آن امر را به جا آورند.
- ماده ۶۷۰ - در صورتی که دو نفر به نحو اجتماع وکیل باشند به موت یکی از آنها وکالت دیگری باطل می‌شود.
- ماده ۶۷۱ - وکالت در هر امر مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیز هست مگر این که تصریح به عدم وکالت باشد.
- ماده ۶۷۲ - وکیل در امری نمی‌تواند برای آن امر به دیگری وکالت دهد مگر این که صریحاً یا به دلالت قرائن وکیل در توکیل باشد.

ماده ۶۷۳ - اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود.

مبحث سوم - در تعهدات موکل

ماده ۶۷۴ - موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است انجام دهد. در مورد آن چه که در خارج از حدود وکالت انجام داده شده است موکل هیچگونه تعهد نخواهد داشت مگر این که اعمال فضولی وکیل را صراحتاً یا ضمناً اجازه کند.

ماده ۶۷۵ - موکل باید تمام مخارجی را که وکیل برای انجام وکالت خود نموده است و همچنین اجرت وکیل را بدهد مگر این که در عقد وکالت طور دیگر مقرر شده باشد.

ماده ۶۷۶ - حق الوکاله وکیل تابع قرارداد بین طرفین خواهد بود و اگر نسبت به حق الوکاله یا مقدار آن قرارداد نباشد تابع عرف و عادت است اگر عادت مسلمی نباشد وکیل مستحق اجرت‌المثل است.

ماده ۶۷۷ - اگر در وکالت مجانی یا با اجرت بودن آن تصریح نشده باشد محمول بر این است که با اجرت باشد.

مبحث چهارم - در طرق مختلفه انقضاء وکالت

ماده ۶۷۸ - وکالت به طریق ذیل مرتفع می‌شود:

۱ - به عزل موکل.

۲ - به استعفای وکیل.

۳ - به موت یا به جنون وکیل یا موکل.

ماده ۶۷۹ - موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر این که وکالت وکیل با عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.

ماده ۶۸۰ - تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است.

ماده ۶۸۱ - بعد از این که وکیل استعفا داد مادامی که معلوم است موکل به اذن خود باقی است می‌تواند در آن چه وکالت داشته اقدام کند.

ماده ۶۸۲ - محجوریت موکل موجب بطلان وکالت می شود مگر در اموری که حجر مانع از توکیل در آنها نمی باشد و همچنین است محجوریت وکیل مگر در اموری که حجر مانع از اقدام در آن نباشد.

ماده ۶۸۳ - هر گاه متعلق وکالت از بین برود یا موکل عملی را که مورد وکالت است خود انجام دهد یا به طور کلی عملی که متافی با وکالت وکیل باشد به جا آورده مثل این که مالی را که برای فروش آن وکالت داده بود خود بفروشد وکالت منسوخ می شود.

قانون وکالت مصوب ۲۵ بهمن ماه ۱۳۱۵

فصل اول

وکیل و شرایط وکالت

ماده ۱ - وکالت در عدلیه دارای درجات ذیل است:

۱ - وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف و تمیز.

۲ - وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف.

۳ - وکالت در محاکم صلح و بدایت.

تبصره ۱ - وزارت عدلیه می تواند وکالت وکلای درجه ۲ و ۳ را محدود به حوزه معین نماید.

تبصره ۲ - وزارت عدلیه می تواند بر حسب ضرورت و احتیاج از داوطلبان شغل وکالت که معلوماتشان کافی برای درجات سه گانه نیست مطابق نظامنامه مخصوص امتحان نموده اجازه وکالت در محاکم صلح یا محقق ثبت یا نزد مأمورین صلح در حوزه های معین بدهد - اگر داوطلب مزبور در حین اجراء این قانون مشغول وکالت بوده و صلاحیت او برای درجات سه گانه فوق تصدیق نشده است از امتحان معاف خواهد بود این اشخاص کارگشانا می شوند.

ماده ۲ - اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند ولی شغل آنها وکالت در عدلیه نباشد اگر بخواهند برای اقرای نسبی یا سببی خود تادرجه دوم از طبقه سوم وکالت بنمایند ممکن است به آنها در سال سه نوبت جواز وکالت اتفافی داده شود.

ماده ۳ - وزارت عدلیه می تواند بدواً به اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه اول بدهد:

۱ - به اشخاصی که سابقاً صلاحیت آنان را محکمه انتظامی برای وکالت در تمام مراحل قضایی تصدیق نموده باشد و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.

۲ - به اشخاصی که لااقل دارای رتبه پنج قضایی بوده و پنج سال متوالی یا متناوب خدمت قضایی داشته باشند - یا با اشخاصی که شاغل خدمات قضایی در طبقه دوم مقامات قضایی گردیده و مدت پنج سال متوالی یا متناوب اشتغال به خدمات مزبوره داشته و در هر صورت سلب صلاحیت قضایی از آنها نشده باشد.

۳ - به اشخاصی که از دانشکده‌های حقوق و سیاسی داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا هستند و یک سال قضاوت یا دو سال وکالت کرده‌اند.

۴ - به کسانی که قبل از اجرای این قانون نه سال سابقه شغل وکالت دارند و یا اینکه مجموع اشتغال ایشان در شغل قضایی و وکالت نه سال باشد و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته و در حین اجرای این قانون هم اجازه وکالت در تمام مراحل داشته باشند.

ماده ۴ - وزارت عدلیه می‌تواند بدو به اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه دوم بدهد:

۱ - اشخاصی که سه سال متناوب یا متوالی اشتغال به خدمات قضایی داشته و سلب صلاحیت قضایی از آنها نشده باشد.

۲ - به اشخاصی که از دانشکده‌های حقوق و سیاسی داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا هستند.

۳ - به اشخاصی که قبل از اجراء این قانون شش سال سابقه شغل وکالت دارند و یا اینکه مجموع اشتغال آنها به خدمات قضایی و وکالت شش سال بوده و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته و در حین اجراء این قانون اجازه وکالت داشته باشند.

ماده ۵ - وزارت عدلیه می‌تواند بدو به اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه سوم بدهد:

۱ - فارغ‌التحصیل‌های کلاس قضایی که یک سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند.

۲ - اشخاصی که قبل از اجراء این قانون سه سال سابقه شغل وکالت داشته و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته باشند.

۳ - به فارغ‌التحصیل‌های کلاس قضایی با یک سال آزمایش یا کسانی که برنامه کلاس قضایی را در موافقی که وزارت عدلیه معین می‌نماید امتحان بدهند با یک سال آزمایش.

ماده ۶ - اشخاصی که به موجب حکم محکمه انتظامی ممنوع‌الوکاله شده‌اند هر گاه موجب حکم صرفاً فقد معلومات بوده می‌توانند از مقررات تبصره ۲ ماده ۱ استفاده نمایند - هر گاه ممنوعیت

فقط از جهات اخلاقی بوده پس از پنج سال از تاریخ صدور حکم می‌توانند اعاده حیثیت نمایند مشروط بر اینکه در مدت مزبور اعمال منافی اخلاقی از آنها مشاهده نشده باشد - هر گاه ممنوعیت از هر دو جهت بوده در صورت گذشتن پنج سال نیز می‌توانند از مورد تبصره ۲ ماده ۱ استفاده نمایند.

ماده ۷ - به اشخاص ذیل اجازه شغل وکالت داده نمی‌شود:

۱ - اتباع خارجه.

۲ - قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی در حین اشتغال به خدمت به استثناء استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه وزارت معارف.

۳ - کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال است.

۴ - محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵ - اشخاصی که مرتکب اعمالی شوند که منافی با شئون وکالت است.

۶ - اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و اقیون و اعمال منافی عفت.

۷ - اشخاصی که تحت ولایت یا قیمومت هستند.

۸ - محکومیت به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه که به موجب قانون مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی یا از شغل وکالت باشند و یا اینکه محکمه محکومیت مزبور را در حکم خود قید کرده باشد.

۹ - کسانی که به اتهام ارتکاب جنایت یا جنحه‌ای که به موجب قانون مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی است تحت محاکمه هستند.

۱۰ - اشخاصی که به امر وزیر عدلیه طبق ماده ۴۷ این قانون از شغل وکالت معلق هستند.

۱۱ - اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.

۱۲ - وکلایی که وجه پروانه وکالت را در موعد مقرر نپردازند.

۱۳ - وکلایی که در ظرف مدتی که وزارت عدلیه برای اجرای ماده یک این قانون در هر حوزه قضایی تعیین می‌نماید درخواست پروانه وکالت ننمایند.

ماده ۸ - اشخاصی که قبل از اجراء این قانون پروانه وکالت نداشته و بخواهند آن را تحصیل

نمایند در صورت دارا بودن شرایط مقرر در این قانون باید لااقل مدت یک سال در کانون وکلا عمل بنمایند. عمل مزبور دوره آزمایش نامیده می‌شود.

ترتیب وکالت وکلا را در دوره آزمایش و طرز مداخله آنها را در محاکمات و تمریناتی که طی دوره آزمایش بایستی در امور قضایی انجام دهند وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین می‌نماید. برای وکالت در دوره آزمایش پروانه مخصوص مقرر است و مراحلی را که طبق این قانون در دوره آزمایش اجازه داده می‌شود وکالت بنمایند در آن قید می‌گردد.

در مورد اشخاصی که دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا از دانشکده‌های داخله یا خارجه هستند دوره آزمایش فقط برای پروانه وکالت درجه اول لازم است ولی با داشتن سوابق خدمات قضایی یا اداری در وزارت عدلیه وزیر عدلیه می‌تواند آنها را نیز از دوره آزمایش معاف کند.

تبصره ۱ - وزارت عدلیه می‌تواند اشخاصی را که مشمول مورد ۲ و ۳ ماده ۳ این قانون هستند از دوره آزمایش معاف دارد.

تبصره ۲ - در صورتی که وکیل در دوره آزمایش طبق نظامنامه از طرف یکی از وکلا در محاکمات دخالت نماید مسئولیت اعمال او متوجه وکیلی است که او را تعیین نموده و هر گاه از طرف معاضدت قضایی کار به او احاله شود بایستی تحت هدایت و نظارت معاضدت قضایی انجام وظیفه نماید.

ماده ۹ - اجازه وکالت درجات ۱ و ۲ و ۳ که مطابق قانون ۲۰ شهریور ۱۳۱۴ تا تصویب این قانون تصدیق شده در صورت تسلیم تقاضاکننده به اعتبار خود باقی است.

ماده ۱۰ - اشخاصی که می‌خواهند اجازه وکالت تحصیل نمایند باید به دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه تقاضانامه بدهند. ترتیب تقاضانامه را وزارت عدلیه تعیین خواهد نمود.

ماده ۱۱ - دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه در ظرف دو ماه از تاریخ تقاضانامه باید عقیده خود را در رد یا قبول تقاضا در صورت قبول درجه که برای تقاضاکننده در نظر گرفته به مشارالیه یا اقامتگاه قانونی او ابلاغ نماید - در صورتی که تقاضاکننده تسلیم به عقیده اداره مزبور باشد پروانه وکالت در حدود مقررات این قانون صادر می‌شود.

نسبت به تقاضای وکالت اتفاقی دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه هر چه زودتر تکلیف رد یا قبول تقاضا را معین می‌کنند.

ماده ۱۲ - اشخاصی که به تصمیم و تشخیص دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه تسلیم نیستند می‌توانند تا یک ماه پس از ابلاغ نظریه دفتر مزبور به محکمه انتظامی رجوع و تقاضای رسیدگی نمایند عرضحال مزبور در مرکز مستقیماً به دفتر محکمه انتظامی و در ولایات به دفتر یکی از محاکم محل اقامت شاکی تقدیم می‌شود و دفتر آن محکمه مکلف است در ظرف سه روز به محکمه انتظامی ارسال دارد تا تکلیف اختلاف در محکمه انتظامی تعیین نشده است رأی دفتر مزبور موقتاً معتبر است.

ماده ۱۳ - محکمه انتظامی نسبت به جهت اختلاف رسیدگی کرده و با در نظر گرفتن سوابق اخلاقی او رأی مقتضی صادر و به دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه و شاکی ابلاغ می‌نماید. رأی مزبور قطعی است.

ماده ۱۴ - وکلای عدلیه باید مطابق نظامنامه وزارت عدلیه قسم یاد نمایند.

ماده ۱۵ - پروانه وکالت باید همه ساله مطابق تعرفه ذیل تمبر شود:

برای پروانه وکالت درجه اول ۴۰۰ ریال

برای پروانه وکالت درجه دوم ۲۰۰ ریال

برای پروانه وکالت درجه سوم ۱۵۰ ریال

برای پروانه کارگشایان به تفاوت نقاط از ۵۰ تا ۱۰۰ ریال

برای پروانه وکالت اتفاقی هر دفعه ده ریال

ماده ۱۶ - پس از انجام مقررات فوق اسم وکیل در مجله رسمی درج و در لوحه مخصوص ثبت و در اتاق محکمه نصب می‌شود.

فصل دوم

تشکیلات وکلاء

ماده ۱۷ - وزارت عدلیه در هر محلی که مقتضی بداند کانون وکلا تشکیل خواهد داد.

ماده ۱۸ - کانون وکلاء مؤسسه‌ای است دارای شخصیت حقوقی از حیث نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عوائد و مخارج مستقل می‌باشد.

ماده ۱۹ - وظایف کانون به قرار ذیل است:

۱ - نظارت در اعمال وکلا و تهیه موجبات ترقی علمی و اخلاقی آنها.

۲ - معاضدت قضایی (تعیین وکیل برای اشخاص معسر یا بی بضاعت) مطابق نظامنامه وزارت عدلیه.

۳ - راهنمایی و تعلیمات به اشخاصی که در عدلیه یا اداره ثبت مراجعه دارند و از قوانین بی اطلاع هستند.

۴ - سرپرستی وکلای مبتدی و تنظیم دوره آزمایش آنها.

ماده ۲۰ - کانون هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد
هیأت مدیره مرکب است از رییس و پنج الی دوازده نفر عضو که وزیر عدلیه از بین وکلا انتخاب می کند.

اعضاء هیأت مدیره باید حتی الامکان از وکلاء درجه اول و یا دوم باشند.

ماده ۲۱ - انتخاب هیأت عامله کانون با وزارت عدلیه است - رییس کانون ممکن است از مستخدمین قضایی یا اداری وزارت عدلیه انتخاب شود.

ماده ۲۲ - دفتر و اوراق راجعه به وکالت باید مطابق نمونه که کانون مرکز تعیین می نماید تهیه شود - درآمد کانون هر محل به مصرف خود آن کانون خواهد رسید.

ماده ۲۳ - وکلای عدلیه مکلفند همه ساله در سه دعوی حقوقی به عنوان معاضدت قبول وکالت نمایند و چنانچه موکل محکوم له واقع شود حق الوکاله قانونی از آنچه که وصول شود به او پرداخته خواهد شد - پنج یک آن متعلق به کانون است.

ماده ۲۴ - کسانی که قدرت تأدیه حق الوکاله ندارند می توانند از کانون تقاضای معاضدت نمایند مشروط بر اینکه دعوی با اساس و راجع به شخص تقاضاکننده باشد - طرز تقاضا و سایر شرایط لازمه برای معاضدت قضایی را وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین خواهد نمود.

فصل سوم - حقوق و وظایف

ماده ۲۵ - وکلا مکلفند نظاماتی را که وزارت عدلیه برای آنها معین می نماید متابعت کنند.

ماده ۲۶ - با احراز شرایط ذیل وکیل می تواند به درجه وکالت بالاتر نائل گردد:

۱ - اشتغال به وکالت لااقل دو سال در درجه سوم و سه سال در درجه دوم.

۲ - حسن انجام وظیفه در محاکم مربوطه و حسن انجام معاضدت‌هایی که به او رجوع شده.

۳ - ترقی علمی و عملی در امر وکالت.

ترتیب ترفیع و کلا را وزارت عدلیه بر طبق نظامنامه تعیین خواهد نمود. تبصره - محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا یک سال بر مدت مقرر در مورد یک این ماده می افزاید.

ماده ۲۷ - وکلاء مکلفند در موقع محاکمه حاضر شوند مگر اینکه عذر موجهی از قبیل فوت یکی از اقرباء نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم و یا ابتلا به مرضی که مانع از حرکت و یا اینکه حرکت جهت او مضر تشخیص شود و همچنین در مواقعی که حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله و غیره مانع از حرکت آنها باشد داشته باشند.

اطلاع وکیل به محکمه در باب عذری که برای عدم حضور او پیدا شده معتبر است مگر آنکه خلافش ثابت شود در این صورت وکیل به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم خواهد شد.

ماده ۲۸ - در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه اعم از جنایی و غیر آن دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد باید حضور در دیوان جنایی و دیوان کیفر را مقدم بدارد و به دادگاه یا دادگاه های دیگر لایحه بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام بدارد. در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه غیر از دادگاه جنایی و دیوان کیفر دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد در دادگاهی که حضور خود را لازم می داند حاضر می شود و به دادگاه های دیگر لایحه می فرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام می دارد. جلسه رسیدگی در هر حال از این جهت تجدید نخواهد شد مگر آن که حضور وکیل در دادگاه ضروری باشد که در این صورت یا به دادگاه مذکور وکیل دیگری می فرستد و یا اگر حق توکیل نداشته باشد نسخه ثانی اخطاریه دادگاه جنایی یا دیوان کیفر را ضمن لایحه برای اعتذار از حضور تقدیم دادگاه می کند و در صورت اخیر جلسه فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد.

تبصره ۱ - وکیل باید دادگاه جنایی را بر دیوان کیفر مقدم بدارد و در صورتی که در دو یا چند دادگاه جنایی یا دیوان کیفر دعوت شده باشد حضور وکیل در هر یک از دادگاه های مذکور بر حسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود.

تبصره ۲ - عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی به عمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفا و عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته نمی شود و دادگاه به رسیدگی ادامه می دهد.

تبصره ۳ - هرگاه جلسه دادگاه جنایی یا هر دادگاه جزایی دیگر که حضور وکیل متهم در آن ضرورت دارد به معاذیر قانونی وکیل تجدید شود رییس دادگاه مکلف است بلافاصله وکیل انتخابی برای متهم تعیین کند و وقت دادرسی را به وکیل مذکور ابلاغ کند هرگاه در جلسه بعد وکیل قبلی یا وکیل دیگری که متهم انتخاب و معرفی کرده است در دادگاه حضور یابد و از متهم دفاع نماید دادرسی با حضور او ادامه خواهد یافت و الا وکیل انتخابی دادگاه از متهم دفاع می کند و دادگاه حکم خواهد داد.^۱

ماده ۲۹ - از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه مقرر پذیرفته نمی شود.

هرگاه وکلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید به یکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستند و در دیگری خود حاضر شوند.

ماده ۳۰ - وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.

ماده ۳۱ - وکلاء باید وکالت انتخابی حقوقی و جزایی را که در حدود قوانین و نظامات به آنها ارجاع می شود قبول نمایند.

تبصره - مقصود از وکالت انتخابی وکالتی است که از طرف محکمه در موارد جزایی و از طرف کانون در امور حقوقی به آنها ارجاع می شود.

ماده ۳۲ - وکلاء باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به ضمیمه وکالتنامه به دفتر محکمه تسلیم دارند قرارداد حق الوکاله و فهرست اسنادی که موکل به وکیل می سپارد و همچنین قبوض وجوهی که وکیل دریافت می دارد مطابق نمونه ای است که از طرف وزارت عدلیه معین خواهد شد.

^۱ - قانون بالا مشتمل بر یک ماده و سه تبصره در جلسه روز یکشنبه چهاردهم خرداد ماه یک هزار و سیصد و چهل و شش به تصویب مجلس شورای ملی رسید. قانون فوق در تاریخ روز دوشنبه ۱۳۴۶،۳،۲۹ به تصویب مجلس سنا رسیده است

ماده ۳۳ - قرارداد حق الوکاله که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود باید به ترتیب تصاعد نسبت به مدعی به و نسبت به مراحل محاکمه بدایت و استیناف و تمیز معین شود. میزان خسارتی که محکوم له می‌تواند از محکوم علیه مطالبه نماید همچنین میزان مخارج مسافرت‌هایی که وکلای عدلیه برای امور وکالتی می‌نمایند نیز مطابق تعرفه‌ای است که وزارت عدلیه تنظیم می‌نماید.

ماده ۳۴ - دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و هر عنوان که باشد ولو به عنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنجم به بالا محکوم می‌شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشأ ترتیب اثر نخواهد بود - در صورتی که وکیل این عمل را به طور حيله انجام دهد مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر به عنوان دیگر و در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب جزایی واقع خواهد شد.

ماده ۳۵ - مخارج لازمه مذکور در ماده قبل عبارت است از مخارج عدلیه و خرج مسافرت و خرج تحقیقات و معاینه محلی و حق الزحمه مصدقین و خبره و حق الحکمه و خرج تلگراف و پست و طبع اعلانات.

ماده ۳۶ - در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفاء نماید باید قبلاً طوری به موکل و محکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند.

ماده ۳۷ - وکلا نباید بعد از استعفاء از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهتی از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع بر علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این موارد بپذیرند.

ماده ۳۸ - وکلا نباید به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا به منظور تطویل محاکمه به وسیله خدعه آمیزی متوسل شوند.

در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد.

ماده ۳۹ - وکیل حق ندادن دعاری را به طور مصانعه یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به اسم

خود انتقال بگیرد و این قبیل دعاوی در محکمه پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد.

ماده ۴۰ - وکلاء نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند.

ماده ۴۱ - در صورتی که خیانت و کیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد و موکل می‌تواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه نماید.

ماده ۴۲ - وکلا باید در مذاکرات شفاهی در محکمه و لوایح کتبی احترام و نزاکت را نسبت به محاکم و تمام مقامات اداری و نسبت به وکلاء واصحاب دعوی مرعی دارند در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد مگر اینکه عمل مشمول یکی از عناوین جزایی باشد که در این صورت لااقل به حداکثر مجازات مقرر در قانون محکوم خواهند شد.

ماده ۴۳ - وکلاء باید دارای دفتر منظم بوده و مراسلات و مکاتباتی که راجع به امر وکالت است ثبت و ضبط نمایند - طرز تنظیم و نگاهداری آن رادفتر بازرسی و تشکیلات وکلا معین خواهد نمود و حفظ دفتر و ته چک قبوض تا ده سال پس از تاریخ ختم آن اجباری است.

ماده ۴۴ - وکلاء باید پس از ابلاغ حکم و یا قرار و یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا دادن خرجی از طرف موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او کتباً اطلاع دهند به طوری که تفویض حقی از او نشود.

ماده ۴۵ - وکلا باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امری که نسبت به آن قبول وکالت می‌نمایند اعم از حقوقی و جزایی مخصوصاً در اقامه دعوی جزایی و دعوی جعل و اعسار قبل از تنظیم قرارداد حق الوکاله به موکل خاطر نشان نمایند.

فصل چهارم - در تعقیب و مجازات انتظامی وکلا

ماده ۴۶ - مرجع تحقیق و رسیدگی مقدماتی نسبت به شکایت واصله از وکلا و تخلفات آنان دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء عدلیه است و محاکمه انتظامی آنان در محکمه‌ای به عمل می‌آید مرکب از سه نفر عضو که وزیر عدلیه از بین مأمورین قضایی یا اداری عدلیه یا وکلاء و یا به

طور مختلط تعیین می‌کند.

طرز تحقیق و رسیدگی مقدماتی و تجدید نظر و مواعد محاکمه انتظامی و کلاء را وزارت عدلیه به موجب نظامنامه تعیین خواهد نمود - پارکه انتظامی و کلاء دفتر بازرسی و تشکیلات و کلاء عدلیه است.

ماده ۴۷ - وزیر عدلیه می‌تواند پس از آنکه به وسیله دفتر بازرسی و تشکیلات و کلاء عدلیه یا به وسیله کانون و کلاء و یا به وسائل دیگر از سوء اعمال و رفتار و تخلفات و کیلی مطلع شد امر به تعقیب انتظامی او بدهد و در موردی که اشتغال و کیل مزبور به وکالت تا تعیین تکلیف قطعی او منافی با حیثیت و کلاء و یا موجب ضرر برخلاف حقی برای اشخاص باشد او را از شغل وکالت معلق دارد.

ماده ۴۸ - محکمه انتظامی و کلاء مکلف است پس از وصول اولین ادعای نامه انتظامی یا به تقاضای وزیر عدلیه علاوه بر رسیدگی انتظامی از جهت تخلف به صلاحیت اخلاقی و لیاقت علمی و عملی و کیل مورد تعقیب نیز رسیدگی نماید جز در مورد وکلایی که دارای مدارک علمی یا پروانه درجه اول هستند که در این صورت رسیدگی به لیاقت علمی آنها لازم نیست.

ماده ۴۹ - استرداد شکایت از وکیل و استعفای مشتکی عنه از شغل وکالت مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استرداد شکایت موجب تخفیف مجازات است.

ماده ۵۰ - در صورتی که حضور وکیل برای رسیدگی مقدماتی انتظامی و یا محاکمه انتظامی لازم و احضار شده و بدون عذر موجه حاضر نگردیده یا در موعد مناسبی که برای او معین شده جواب کتبی استیضاح را ندهد وزارت عدلیه می‌تواند او را موقتاً تا خاتمه رسیدگی از وکالت معلق نماید.

ماده ۵۱ - مجازاتهای انتظامی به قرار ذیل است:

- ۱ - توبیخ شفاهی
- ۲ - توبیخ کتبی با درج در پرونده
- ۳ - توبیخ با درج در مجله رسمی
- ۴ - ممنوعیت موقت از سه ماه الی یک دو سال
- ۵ - تنزل درجه

۶ - محرومیت دائم از شغل و کالت.

وزیر عدلیه می‌تواند در صورت احراز سوء اعمال و رفتار یا تخلفات و کیلی یکی از مجازاتهای انتظامی تا درجه ۴ را درباره او مستقلاً اعمال نماید و رأی وزیر در این موضوع قابل شکایت نیست - در صورتی که حکم مجازات از طرف محکمه صادر شود تا درجه ۳ نسبت به محکوم علیه قطعی است.

ماده ۵۲ - محکمه تجدید نظر تشکیل می‌شود از یک نفر از اعضاء محکمه بدوی که به حکم قرعه انتخاب می‌شود و دو نفر از مستخدمین قضایی که همه ساله به طور ثابت از طرف وزارت عدلیه معین می‌شود.

ماده ۵۳ - وزیر عدلیه می‌تواند در صورتی که رفتار و کیلی موجب اختلال مهمی در جریان امور قضایی حوزه معینی باشد او را مادام که موجبات اختلال باقی است از اشتغال به امر و کالت در آن حوزه ممنوع نماید.

ماده ۵۴ - مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی و کلاء دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است در صورتی که وکیل تعقیب شده باشد دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است.

ماده ۵۵ - وکلای معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هر گونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است اعم از اینکه عناوین تدلیس از قبیل مشاور حقوقی و غیره اختیار کند یا اینکه به وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود را اصیل در دعوی قلمداد نماید متخلف از یک الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.

فصل پنجم - مقررات مختلفه

ماده ۵۶ - در صورت فوت و حجر و کیلی مدعی العموم بدایت و در نقاطی که پارکه نیست امین یا مأمور صلح به تقاضای اشخاص اسناد و اوراق راجعه به آنها را که نزد وکیل بوده با حضور متصدی امور متوفی و در صورت استتکاف ورثه یا متصدی امور متوفی از تسلیم اوراق و اسناد مدعی العموم یا قائم مقام او با حضور نماینده محکمه بدایت یا صلح اسناد را اخذ و به صاحبش رد می‌نماید و صورت مجلسی در هر دو باب تنظیم و امضاء می‌نماید و رسید اوراق را گرفته به متصدی امور متوفی می‌دهد.

ماده ۵۷ - هر گاه محاکم و مدعیان عمومی در اجراء مواد این قانون بی نظمی یا مسامحه مشاهده کرده یا متوجه شوند و کیلی از عهده انجام وظیفه و کالتی بر نمی آید و همچنین هر گاه از سوء اخلاق و اعمال و کیلی مطلع گردند مکلفند بدون تأخیر مراتب را به وزیر عدلیه گزارش دهند - در صورت تخلف به مجازات انتظامی تا درجه چهار محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸ - فصل دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷ و ماده ۶ قانون ۱۱ خرداد ۱۳۰۸ و قانون مصوبه اول مرداد ۱۳۰۹ و قانون و کالت مصوب ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۴ نسخ می شود.

این قانون که مشتمل بر پنجاه و هشت ماده است در جلسه بیست و پنجم بهمن ماه یک هزار و سیصد و پانزده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵

ماده ۱ - کانون وکلای دادگستری مؤسسه ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می شود.

در نقاطی که کانون وکلاء وجود ندارد تشکیل کانون مشروط به این است که در آن حوزه حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری به شغل و کالت اشتغال داشته باشد و تا وقتی که عده وکلاء به حد نصاب مزبور نرسیده وکلای آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلای مرکز خواهند بود. کانون وکلاء از قسمتهای ذیل تشکیل می شود:

الف - هیأت عمومی.

ب - هیأت مدیره.

ج - دادرسی انتظامی وکلاء.

د - دادگاه انتظامی وکلاء.

ماده ۲ - کانون وکلاء هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد هیأت مدیره کانون وکلاء مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی البدل تشکیل می شود و در سایر مراکز دادگاههای استان مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی البدل خواهد بود. هیأت مدیره عهده دار امور مربوط به کانون بوده و رییس هیأت سمت ریاست کانون را دارد و نماینده

قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است رییس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد.

تبصره - بقاء عضویت هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باشد.

ماده ۳ - هیأت عمومی کانون وکلاء هر استان از وکلایی که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند و حائز شرایط زیر باشند تشکیل می شود و هر دو سال یک بار برای انتخاب اعضای هیأت مدیره تشکیل جلسه می دهد. وکلایی که واجد شرایط زیر باشند می توانند در انتخاب اعضاء هیأت مدیره کانون شرکت نمایند:

الف - وکلاء پایه یک و دو دادگستری مشروط بر این که:

۱ - محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نداشته باشند.

۲ - در حال تعلیق از وکالت نباشند.

ماده ۴ - اعضاء هیأت مدیره کانون وکلاء از بین وکلاء پایه یک هر حوزه که واجد شرایط زیر باشند برای مدت دو سال انتخاب می شوند:

الف - لااقل ۳۵ سال داشته باشند.

ب - لیسانسیه حقوق بوده و لااقل ده سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند به شرط آن که پنج سال آن سابقه وکالت پایه یک باشد.

ج - وکلایی که فاقد دانشنامه لیسانس می باشند در صورتی می توانند انتخاب شوند که دارای

مدت ۲۰ سال سابقه وکالت و یا بیست سال سابقه وکالت و قضاوت باشند به شرط آن که پنج سال از مدت مزبور سابقه وکالت پایه یک داشته باشند.

د - محکومیت انتظامی بالاتر از درجه ۴ نداشته باشند.

ه - سوء شهرت نداشته باشند.

تبصره - رییس و اعضاء هیأت مدیره کانون وکلاء رؤساء و اعضای دادگاه های انتظامی وکلاء و

دادستان و دادیاران دادرسی انتظامی وکلاء نباید عضویت احزاب ممنوعه را داشته باشند و در

صورت تخلف دادگاه عالی انتظامی قضات آن را به محرومیت از عضویت هیأت مدیره و دادگاه

دادسراهای انتظامی وکلاء محکوم خواهد کرد. دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است به

محض اطلاع به موضوع رسیدگی کند رأی دادگاه قطعی است.

ماده ۵ - هیأت مدیره کانون وکلاء مرکز از بین اعضاء خود یک نفر رییس و دو نفر نایب رییس و دو منشی و دو بازرس به رأی مخفی برای مدت یک سال انتخاب می نماید و در سایر حوزه ها هیأت مدیره مرکب از یک رییس و یک نایب رییس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود.

ماده ۶ - وظایف کانون وکلاء به قرار زیر است:

الف - دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند.

ب - اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلاء و کارگشایان.

ج - رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلاء و کارگشایان دادگستری به وسیله داسرا و دادگاه انتظامی وکلاء.

د - معاضدت قضایی.

ه - فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلاء.

ماده ۷ - از تاریخ اجراء این قانون فقط به کسانی پروانه وکالت داده می شود که از دانشکده های حقوق داخله و یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس باشند. اشخاص مزبور پس از اخذ پروانه وکالت مکلف هستند لااقل یک سال به کارآموزی اشتغال ورزند پس از اختیار و قبول آنان پروانه وکالت پایه یک داده می شود.

ماده ۸ - به اشخاص زیر پروانه وکالت درجه اول از طرف کانون وکلاء داده می شود:

الف - به کسانی که دارای ده سال متوالی یا پانزده سال متناوب سابقه خدمات قضایی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از آنها از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشد.

ب - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و ۵ سال سابقه خدمات قضایی داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آنها نشده باشد.

ج - نمایندگان مجلس شورای اسلامی با گذراندن یک دوره کامل نمایندگی که دارای لیسانس قضایی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم و ۵ سال سابقه کار قضایی در محاکم باشند.

د - کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق قضایی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالییه از حوزه علمیه قم با حداقل ۵ سال سابقه کار متوالی یا ۱۰ سال متناوب در سمتهای حقوقی در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و نهادها و نیروهای مسلح باشند و بعد از اجرای این قانون با داشتن سی سال سابقه خدمت بازنشسته شوند بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت مقرر کارآموزی.

تبصره ۱- کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و دو سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند از انجام دوره کارآموزی معاف می‌باشند. ولی در این مورد مدت انتظار خدمت از لحاظ اخذ پروانه وکالت جزء خدمت محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲ - کانون ملزم است در مورد تقاضاهای پروانه کارآموزی یا وکالت ظرف مدت شش ماه اتخاذ تصمیم نماید.

ماده ۹ - کسانی که تا این تاریخ دارای پروانه وکالت بوده و سلب صلاحیت از آنان نشده وکیل دادگستری شناخته می‌شود:

ماده ۱۰ - به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:

۱ - اتباع خارجه.

۲ - قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به‌استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه.

۳ - مجبورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد.

۴ - محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵ - اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت.

۶ - محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون و یا آن‌که به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی است.

۷ - کسانی که به اتهام جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند.

۸ - اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.

ماده ۱۱ - وکلایی که تقاضای ترفیع می‌نمایند باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی گواهی حسن انجام وظیفه و کالتی به ترتیبی که ذیلاً درج می‌گردد اخذ نمایند.

در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان تشکیل گردیده گواهی مزبور باید به تصدیق رییس دادگاه‌های مزبور و دادستان شهرستان یا قائم‌مقام آنها برسد و در صورتی که اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رییس کل دادگاه‌های استان و دادستان استان برسد.

تبصره - مقامات قضایی فوق در صورت احتیاج پس از استعلام از دوائر تابعه مبادرت به صدور گواهی می‌نمایند.

ماده ۱۲ - در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرس یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.

ماده ۱۳ - دادرسی انتظامی وکلاء مرجع رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان و عده لازم دادیار که از طرف هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. دادرسی انتظامی وکلاء پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رییس کانون ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاه‌های انتظامی وکلاء خواهد بود. در صورتی که دادگاه انتظامی وکلاء قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

ماده ۱۴ - رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی وکلاء است دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه ۱ که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلاء پایه ۱ انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضاء اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. مجازات‌های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده از کلیه آراء صادره و همچنین دادرسی

انتظامی وکلاء و رییس کانون از حکم برائت و از مجازاتهای درجه ۴ به بالا می‌تواند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید. مرجع تجدیدنظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

ماده ۱۵ - در صورتی که رییس دادگاه یا دادستان شهرستان و یا رییس دادگاه استان یا دادستان تخریفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتباً به دادرسی انتظامی وکلاء اطلاع دهند در صورتی که دادرسی مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلاء ارجاع می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادرسی انتظامی وکلاء تسلیم نشد رأساً از دادگاه انتظامی وکلاء رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید.

ماده ۱۶ - هر گاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء با ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد تقاضای تجدیدنظر کند.

ماده ۱۷ - از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی.

ماده ۱۸ - در صورتی که وزیر دادگستری یا رییس هیأت مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجراء خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدیدنظر نماید و نیز از رأی عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رییس کانون وکلاء حق تقاضای تجدیدنظر دارند دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواستها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

ماده ۱۹ - میزان حق الوکاله در صورتی که قبلاً بین طرفین توافق نشده باشد طبق تعرفه‌ای است که با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری تعیین خواهد شد و در قبال اشخاص ثالث این

تصرفه معتبر خواهد بود مگر در صورتی که قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تصرفه وکالتی باشد. ماده ۲۰ - هر کس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید به حبس تأدیبی از پانزده روز الی سه ماه محکوم خواهد گردید.

ماده ۲۱ - در مواردی که وزیر دادگستری در امور مربوط به وظایف یکی از افراد هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به دادستان دیوان عالی کشور ارجاع می نماید. دادستان کل به وسیله ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود.

ماده ۲۲ - کانون وکلاء با رعایت مقررات این قانون آیین نامه های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آنها و ترفیع و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری به موقع اجراء گذاشته می شود.

ماده ۲۳ - برای تصفیه وکلای فعلی دادگستری دادرسی انتظامی وکلاء تهران موظف است از تاریخ تصویب این قانون در مدت شش ماه سوابق کلیه وکلاء دادگستری مرکز و در مدت یک سال به سوابق وکلاء دادگستری خارج از مرکز رسیدگی کرده و کسانی را که تشخیص دهد صلاحیت تصدی شغل وکالت را ندارند پرونده آنان را به دادگاه انتظامی وکلاء برای رسیدگی بفرستد و دادگاه مزبور باید از تاریخ وصول هر پرونده به دادگاه حداکثر در مدت دو ماه رسیدگی کرده در صورتی که تشخیص دهد که وکیل صلاحیت ادامه اشتغال به وکالت را ندارد از او سلب صلاحیت نماید - از حکم دادگاه انتظامی وکلاء وزیر دادگستری و دادستان انتظامی وکلاء و وکیل محکوم می توانند تجدید نظر بخواهند. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات است که رأی آن قطعی خواهد بود.

ماده ۲۴ - لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء مصوب اسفند ۱۳۳۱ و آن قسمت از قانون وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ و بند ۸ از ماده اول قانون بودجه سال ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی و سایر قوانین و مقررات راجع به وکالت که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد نسخ می شود.

ماده ۲۵ - وزارت دادگستری می تواند با تصویب شورای عالی قضایی وکلاء پایه یک دادگستری

را برای خدمات قضایی انتخاب و تعیین نماید و در این صورت سنین وکالت درجه یک در حکم سابقه قضایی منظور و بر طبق آن رتبه قضایی شخصی که انتخاب می شود معین خواهد شد.
ماده ۲۶ - وزارت دادگستری مأمور اجراء این قانون است.

چون به موجب تبصره قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات دولت مکلف است لوایحی که ادامه اجرای آنها را ضروری می داند ظرف مدت پانزده روز به هر یک از مجلسین تقدیم نماید و لوایح نامبرده که با رعایت ماده چهار آیین نامه مشترک ظرف مدت سه ماه به تصویب کمیسیونهای مشترک برسند تا تصویب نهایی مجلسین قابل اجراء خواهد بود بنا بر این لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون وکلای دادگستری که در تاریخ پنجم اسفند ماه یک هزار و سیصد و سی و سه به تصویب کمیسیونهای مشترک مجلسین رسیده موقتاً قابل اجرا می باشد.

قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۲۵۳۵،۱۰،۲۹

ماده ۱ - وکلا و کارگشایان دادگستری طبق مقررات این قانون از طریق بیمه اجباری در برابر اثرات ناشی از پیری و از کارافتادگی و فوت حمایت می شوند.

تبصره - وکلا و کارگشایانی که مشمول مقررات قانون استخدام کشوری یا قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی یا قانون تأمین اجتماعی یا مقررات بازنشستگی دیگری هستند از شمول مقررات حمایتی این قانون مستثنی می باشند.

ماده ۲ - برای اجرای این قانون صندوقی به نام صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری که در این قانون صندوق نامیده می شود تشکیل می گردد.

ماده ۳ - صندوق دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و از پرداخت مالیات و عوارض معاف می باشد.

ماده ۴ - اساسنامه صندوق از طرف کانون وکلای دادگستری مرکز با مشارکت نماینده یا جلب نظر کانونهای دیگر تهیه و پس از تأیید وزارت دادگستری و وزارت بهداشتی و بهزیستی و تصویب شورای عالی تأمین اجتماعی به موقع اجراء گذاشته می شود.

ماده ۵ - منابع مالی صندوق به شرح زیر است:

۱- حق بیمه‌ای که مشمولین این قانون مستقیماً به صندوق می پردازند.

۲ - وجوهی که کانون‌های وکلا به صندوق می‌پردازند.

۳ - سود حاصل از درآمد وجوه صندوق.

۴ - کمک‌ها و هدایایی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی به صندوق داده می‌شود.

ماده ۶ - کلیه دارایی و تعهدات صندوق تعاون و وکلای دادگستری به صندوق منتقل می‌شود.

ماده ۷ - وجوه مذکور در تبصره ۷۹ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل

کشور همچنین کسور بازنشستگی قضات و کارمندانی که قبل از بازنشستگی مستعفی شده یا بشوند و پروانه وکالت گرفته یا بگیرند باید به صندوق واریز شود.

ماده ۸ - نرخ و ترتیب پرداخت حق بیمه از طرف بیمه شده و کانون وکلا و شرایط استفاده از مزایا و میزان آن و نحوه بهره‌برداری از وجوه صندوق طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت بهداشت و بهزیستی وزارت دادگستری به تصویب کمیسیون‌های مربوط مجلسین می‌رسد.

ماده ۹ - از تاریخ اجرای این قانون وجوه موضوع مواد ۳ و ۴ قانون تشکیل صندوق تعاون وکلا (مصوب سال ۱۳۵۰ به کانون وکلای مربوط پرداخت می‌شود).

ماده ۱۰ - دولت به پیشنهاد وزارت دادگستری هر سال مبلغی بابت حق‌الوکاله‌های تسخیری و معاضدتی در بودجه کل کشور پیش‌بینی و به کانون‌های وکلا خواهد پرداخت.

حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری و معاضدتی طبق آیین‌نامه‌ای است که از طرف کانون وکلا مرکز با مشارکت نماینده یا جلب نظر کانون‌های دیگر تهیه و تصویب وزارت دادگستری خواهد رسید.

ماده ۱۱ - تجدید پروانه سالانه وکلا و کارگشایان مشمول این قانون موقوف به ارائه مفاسد حساب پرداخت حق بیمه می‌باشد.

ماده ۱۲ - وکلا و کارگشایانی که طبق مقررات مربوط تقاضای بازنشستگی می‌کنند مکلفند تمام حق بیمه سنوات گذشته خود را به ترتیبی که در آیین‌نامه موضوع ماده ۸ این قانون تعیین خواهد شد به پردازند.

ماده ۱۳ - سوابق خدمت رسمی قضات و کارمندان دولت و مدت نمایندگی مجلسین سنا و شورای ملی و مدت خدمت وظیفه کسانی که مشمول مقررات این قانون قرار می‌گیرند از لحاظ بازنشستگی به شرط پرداخت تمام حق بیمه سنوات مذکور با احتساب وجوه پرداختی بابت بازنشستگی متقاضی که به صندوق واریز شده است جزء سابقه وکالت محسوب خواهد شد.

تبصره - در صورتی که برای متقاضی بازنشستگی به عنوان سهم کارفرما وجوهی در صندوق‌های بیمه دیگر پرداخت شده بر حسب تقاضای متقاضی به صندوق منتقل خواهد شد. ماده ۱۴ - وکلا و کارگشایانی که از مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی موضوع این قانون استفاده می‌کنند دیگر حق وکالت ندارند.

تبصره - وکالت‌هایی که قبل از صدور حکم بازنشستگی به وکلای بازنشسته داده شده و محاکمات آن در جریان رسیدگی است به قوت خود باقی و تعقیب دعاوی مذکور تا مرحله‌هایی از طرف وکلای بازنشسته بلامانع است.

ماده ۱۵ - وکلا و کارگشایان دادگستری می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ در صورت داشتن ۳۰ سال سابقه وکالت و یا دارا بودن حداقل ده سال سابقه وکالت و شصت سال سن و پرداخت حق بیمه به ترتیب مقرر در آییننامه تقاضای بازنشستگی نمایند.

تبصره - مدت کارآموزی وکلا دادگستری جزء مدت سی سال مذکور در ماده فوق‌الذکر محسوب می‌گردد و از تاریخ اجرای این قانون پروانه کارآموزی وکالت دادگستری برای حوزه قضایی استان مرکز فقط به کسانی داده می‌شود که سن آنها از چهل سال تمام بیشتر نباشد و برای سایر حوزه‌های قضایی پروانه کارآموزی به کسانی داده می‌شود که سن آنها از پنجاه سال تمام بیشتر نباشد و چنین پروانه‌هایی قابل انتقال به حوزه قضایی استان مرکز نمی‌باشد.

ماده ۱۶ - وجوهی که از طرف وکلای دادگستری و کارگشایان به حساب تعاونی آنها به صندوق تعاون وکلای دادگستری پرداخت شده است همچنین وجوه موضوع ماده ۷ این قانون بابت حق بیمه آنها که باید رأساً به صندوق به پردازند محاسبه خواهد شد.

ماده ۱۷ - هر گونه برداشت یا تصرف غیر قانونی از وجوه یا اموال صندوق در حکم اختلاس یا تصرف غیر قانونی در اموال دولت است.

ماده ۱۸ - از تاریخ اجرای این قانون مواد ۱ و ۲ قانون تشکیل صندوق تعاون وکلا و آن قسمت از قوانین و مقررات دیگری که در مقام اجراء با این قانون مغایر است لغو می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر هیجده ماده و چهار تبصره پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه روز یکشنبه پنجم دی ماه ۲۵۳۵ در جلسه روز چهارشنبه بیست و نهم دی ماه دو هزار و پانصد و سی و پنج شاهنشاهی به تصویب مجلس سنا رسید.

مواد (۸) و (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب ۱۳۷۲/۹/۷)

- ماده ۸ - تخلفات اداری به قرار زیر است:
- ۱ - اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری.
 - ۲ - نقض قوانین و مقررات مربوط.
 - ۳ - ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی آنها بدون دلیل.
 - ۴ - ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت.
 - ۵ - اخاذی.
 - ۶ - اختلاس.
 - ۷ - تبعیض یا اعمال غرض یا روابط غیر اداری در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص.
 - ۸ - ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری.
 - ۹ - تکرار در تأخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج از آن بدون کسب مجوز.
 - ۱۰ - تسامح در حفظ اموال و اسناد و وجوه دولتی، ایراد خسارات به اموال دولتی.
 - ۱۱ - افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری.
 - ۱۲ - ارتباط و تماس غیر مجاز با اتباع بیگانه.
 - ۱۳ - سرپیچی از اجرای دستورهای مقامهای بالاتر در حدود وظایف اداری.
 - ۱۴ - کم کاری یا سهل انگاری در انجام وظایف محول شده.
 - ۱۵ - سهل انگاری رؤسا و مدیران در ندادن گزارش تخلفات کارمندان تحت امر.
 - ۱۶ - ارائه گواهی یا گزارش خلاف واقع در امور اداری.
 - ۱۷ - گرفتن وجوهی غیر از آن چه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هر گونه مالی که در عرف رشوه خواری تلقی می شود.
 - ۱۸ - تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاص که حق دریافت آن را دارند.
 - ۱۹ - تعطیل خدمت در اوقات مقرر اداری.
 - ۲۰ - رعایت نکردن حجاب اسلامی.

- ۲۱ - رعایت نکردن شئون و شعایر اسلامی.
- ۲۲ - اختفا، نگهداری، حمل، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر.
- ۲۳ - استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر.
- ۲۴ - داشتن شغل دولتی دیگر به استثنای سمتهای آموزشی و تحقیقاتی.
- ۲۵ - هر نوع استفاده غیر مجاز از شئون یا موقعیت شغلی و امکانات و اموال دولتی.
- ۲۶ - جعل یا مخدوش نمودن و دست بردن در اسناد و اوراق رسمی یا دولتی.
- ۲۷ - دست بردن در سولات، اوراق، مدارک و دفاتر امتحانی، افشای سوالات امتحانی یا تعویض آن‌ها.
- ۲۸ - دادن نمره یا امتیاز، بر خلاف ضوابط.
- ۲۹ - غیبت غیر موجه به صورت متناوب یا متوالی.
- ۳۰ - سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری.
- ۳۱ - توقیف، اختفا، بازرسی یا باز کردن پاکتها و محمولات پستی یا معدوم کردن آنها و استراق سمع بدون مجوز قانونی.
- ۳۲ - کارشکنی و شایعه پراکنی، وادار ساختن یا تحریک دیگران به کارشکنی یا کم کاری و ایراد خسارت به اموال دولتی و اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیر قانونی.
- ۳۳ - شرکت در تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیر قانونی، یا تحریک به برپایی تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیر قانونی و اعمال فشارهای گروهی برای تحصیل مقاصد غیر قانونی.
- ۳۴ - عضویت در یکی از فرقه‌های ضاله که از نظر اسلام مردود شناخته شده‌اند.
- ۳۵ - همکاری با ساواک منحل به عنوان مأمور یا منبع خبری و داشتن فعالیت یا دادن گزارش ضد مردمی.
- ۳۶ - عضویت در سازمانهایی که مرامنامه یا اساسنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها.
- ۳۷ - عضویت در گروه‌های محارب یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها.
- ۳۸ - عضویت در تشکیلات فراماسونری.
- ماده ۹ - تنیهای اداری به ترتیب زیر عبارتند از:

الف - اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدای.

ب - توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدای.

ج - کسر حقوق و فوق‌العاده شغل یا عنوان مشابه حداکثر تا یک سوم از یک ماه تا یک سال.

د - انفصال موقت از یک ماه تا یک سال.

ه - تغییر محل جغرافیایی خدمت به مدت یک تا پنج سال.

و - تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پستهای حساس و مدیریتی در دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون.

ز - تنزل یک یا دو گروه و یا تعویق در اعطای یک یا دو گروه به مدت یک یا دو سال.

ح - بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی در مورد

مستخدمین زن و کمتر از ۲۵ سال سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین مرد با پرداخت ۳۰ تا ۴۵ روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت به تشخیص هیأت صادرکننده رأی.

ط - بازنشستگی در صورت داشتن بیش از بیست سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین زن و بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین مرد بر اساس سنوات خدمت دولتی با تقلیل یک یا دو گروه.

ی - اخراج از دستگاه متبوع.

ک - انفصال دائم از خدمات دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون.

تبصره ۱ - در احتساب معدل خالص حقوق، تفاوت تطبیق و فوق‌العاده شغل مستخدمان موضوع بند ط در سه سال آخر خدمت در هنگام بازنشستگی، حقوق گروه جدید (پس از تنزل یک تا دو گروه) ملاک محاسبه قرار می‌گیرد.

تبصره ۲ - کسور بازنشستگی یا حق بیمه (سهم کارمند) کارمندی که در اجرای این قانون به

انفصال دائم، اخراج یا بازخریدی محکوم شده یامی‌شوند و نیز حقوق و مزایای مرخصی استحقاقی استفاده نشده آنان و در مورد محکومان به بازنشستگی، حقوق و مزایای مرخصی استحقاقی استفاده‌نشده، همچنین کسور بازنشستگی یا حق بیمه کارمندی که در گذشته در اجرای مقررات قانونی از دستگاه دولتی متبوع خود اخراج گردیده‌اند، قابل پرداخت است.

تبصره ۳ - هیأت‌های بدوی یا تجدید نظر، نماینده دولت در هر یک از دستگاه‌های مشمول این

قانون هستند و رأی آنان به تخلف اداری کارمند تنها در محدوده مجازاتهای اداری معتبر است و به معنی اثبات جرمهایی که موضوع قانون مجازاتهای اسلامی است، نیست.

تبصره ۴ - هیأتها پس از رسیدگی به اتهام یا اتهامات منتسب به کارمند، در صورت احراز تخلف یا تخلفات، در مورد هر پرونده صرفاً یکی از مجازاتهای موضوع این قانون را اعمال خواهند نمود.

قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۷۵/۸/۲۳

ماده واحده - در قسمت اخیر ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا و کارگشایان دادگستری - مصوب ۱۳۵۵ - عبارت «طبق آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت بهداری و بهزیستی و وزارت دادگستری به تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین می رسد» به عبارت «طبق آیین نامه ای است که به وسیله وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید» تغییر می یابد و متن زیر به عنوان تبصره به ماده یاد شده اضافه می شود:

تبصره - وکلای دادگستری و کارگشایان مکلفند معادل نصف آنچه که بابت مالیات طبق قانون مالیاتهای مستقیم تمبر به وکالتنامه الصاق می کنند همچنین معادل نصف مالیات وجوهی که به عنوان حق المشاوره و حق الوکاله بطور مقطوع دریافت می دارند به صندوق حمایت و کلا و کارگشایان دادگستری پرداخت نمایند.

قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون کانون کانونهای وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران مکلفند حداقل یکبار در سال نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت از طریق آزمون با آگهی در جراید اقدام نموده و حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از برگزاری آزمون ضمن اعلام نتایج قطعی نسبت به صدور پروانه کارآموزی وکالت برای پذیرفته شدگان اقدام نمایند.

تبصره - تعیین تعداد کارآموزان وکالت برای هر کانون بر عهده کمیسیونی متشکل از رییس کل دادگستری استان، رییس شعبه اول دادگاه انقلاب و رییس کانون وکلای مربوط می باشد که به دعوت رییس کانون وکلای هر کانون، حداقل یکبار در سال تشکیل و اتخاذ تصمیم می نماید.

ماده ۲- برای اشخاصی پروانه کارآموزی وکالت صادر می‌شود که علاوه بر دارا بودن دانشنامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی دارای شرایط ذیل باشند:

الف - اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام.

ب - اعتقاد و تمهید به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، قانون اساسی.

ج - نداشتن پیشینه محکومیت موثر کیفری.

د - نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروههای الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروههایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی می‌باشد.

ه - عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت.

و - عدم عضویت و هواداری از گروهکهای غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران.

ز - عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی.

تبصره ۱ - کانونهای وکلا مکلفند به منظور احراز شرایط فوق از مراجع ذیصلاح مربوطه استعلام نمایند و مراجع مزبور مکلفند حداکثر ظرف مدت ۲ ماه پاسخ لازم را اعلام نمایند.

تبصره ۲ - برای اشخاصی که مطابق قانون از کارآموزی معاف هستند در صورتی پروانه وکالت صادر می‌شود که دارای شرایط این ماده باشند.

تبصره ۳ - مدت کارآموزی اعضای هیات علمی دانشکده‌های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود.

تبصره ۴ - اقلیتهای مذهبی رسمی از دارا بودن شرایط مندرج در بند (الف) مستثنی می‌باشند.

تبصره ۵ - اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می‌باشد.

رگاه وکیلی فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلایل آنرا به دادگاه انتظامی وکلا، اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رای مقتضی صادر میکند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود مگر در مواردی که دادگاه باتوجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید.

ماده ۳ - سی درصد (۳۰٪) سهمیه مورد نیاز کانون وکلای هر حوزه به ایثارگران (رزمندگانی که

شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا در اسارت دشمن بوده‌اند و یا جانبازان ۲۵٪ و بالاتر و بستگان درجه اول شهدا و جانبازان ۵۰٪ به بالا) اختصاص می‌یابد که از بین ایثارگرانی که بیشترین نمره را آورده‌اند انتخاب خواهند شد.

تبصره - استفاده از این سهمیه مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را آورده‌اند نمی‌باشد.

ماده ۴ - اعضای هیات مدیره (اعم از اصلی و علی‌البدل) کانون وکلا از بین وکلای پایه یک هر حوزه که علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج در بندهای (الف) تا (ز) ماده (۲) واجد شرایط زیر باشند، برای مدت دو سال انتخاب می‌گردند:

الف - داشتن حداقل ۳۵ سال سن.

ب - حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهار سال وکالت داشته و از طرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آنها سلب نشده باشد.

ج - عدم محکومیت انتظامی در چه ۴ و بالاتر.

د - عدم اشتها به فساد اخلاق (سوء شهرت)

ه - عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شئون شغل وکالت.

تبصره ۱ - مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها، دادگاه عالی انتظامی قضات بوده که مکلف است ظرف حداکثر دو ماه ضمن استعمال سوابق از مراجع ذیربط، صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند و مراجع ذیصلاح قانونی که از نامزدها، سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعمال موظف به اعلام آن می‌باشند.

تبصره ۲ - انتخاب اعضای هیات مدیره کانون بطور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع می‌باشد.

تبصره ۳ - وزارت دادگستری موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون انتخابات کانونهای وکلای دادگستری را براساس این قانون تجدید نماید.

ماده ۵ - در صورت تخلف هر یک از اعضای هیات مدیره کانونهای وکلای دادگستری از مفاد این قانون به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دائم از عضویت در هیاتهای مدیره کانونهای وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۶ - وکلای نمی‌توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده‌اند دفتر

وکالت تاسیس نمایند و همچنین نمی‌توانند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز نمایند. تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم خواهد بود. به این تخلف در دادسرا و دادگاه انتظامی کانونی رسیدگی خواهد شد که تخلف در حوزه آن انجام شده است.

در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر، کانون متبوع وکیل مزبور نیز حق رسیدگی خواهد داشت.

تبصره ۱ - ادامه وکالت در پرونده‌هایی که قبل از تصویب این ماده مطرح گردیده و همچنین با اجازه کانون وکلای متبوع، وکالت از خویشاوندان تا درجه سوم از شمول این ماده مستثنی است. در صورتی که حوزه اخیر تابع کانون وکلای دیگری باشد اجازه کانون مزبور نیز لازم است.

تبصره ۲ - محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رییس قوه قضاییه مشخص خواهد شد.

تبصره ۳ - کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تأیید رییس کانون و رای دادگاه انتظامی کانون پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد.

کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت حق وکالت در دعاوی که مرجع تجدیدنظر از احکام آنها دیوان عالی کشور می‌باشد را ندارند.

تبصره ۴ - کسانی که دارای رتبه قضایی بوده‌اند به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت نخواهند داشت. متخلف از این مقرره به ترتیب تکرار مستوجب مجازاتهای درجه ۳ الی ۶ خواهد بود.

ماده ۷ - از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن لغو می‌گردد.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) (مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸)

فصل دوم - وکالت در دادگاهها

ماده ۱۸۵ - در کلیه امور جزایی طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند، وقت دادرسی به متهم، شاکی، مدعی خصوصی و وکلای مدافع آنان ابلاغ خواهد

شد در صورت تعدد وکیل حضور یکی از وکلای هریک از طرفین برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.

ماده ۱۸۶ - متهم می‌تواند از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین نماید، چنانچه دادگاه تشخیص دهد متهم توانائی انتخاب وکیل را ندارد از بین وکلای حوزه قضائی و در صورت عدم امکان از نزدیکترین حوزه مجاور وکیلی برای متهم تعیین خواهد نمود و در صورتی که وکیل درخواست حق‌الوکاله نماید دادگاه حق‌الزحمه را متناسب با کار تعیین خواهد کرد و در هر حال حق‌الوکاله تعیینی نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق‌الوکاله یادشده از ردیف مربوط به بودجه دادگستری پرداخت خواهد شد.

تبصره ۱ - در جرائمی که مجازات آن به حسب قانون، قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد می‌باشد چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی نماید تعیین وکیل تسخیری برای او الزامی است مگر در خصوص جرائم منافی عفت که متهم از حضور یا معرفی وکیل امتناع ورزد.

تبصره ۲ - در کلیه امور جزایی به استثناء جرائم مذکور در تبصره (۱) این ماده و یا مواردی که حکم غیابی جایز نیست هرگاه متهم وکیل داشته باشد ابلاغ وقت دادرسی به وکیل کافی است مگر اینکه دادگاه حضور متهم را لازم بداند.

ماده ۱۸۷ تقاضای تغییر وکیل تسخیری از طرف متهم جز در موارد زیر پذیرفته نیست:

الف - قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین وکیل تسخیری با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد.

ب - وکیل تسخیری قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور وی یا همسر او باشد.

ج - وکیل تسخیری یا همسر یا فرزند او وارث یکی از اصحاب دعوا باشد.

د - وکیل تسخیری سابقاً در موضوع دعوای اقامه شده به عنوان دادرس یا داور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد.

ه - بین وکیل تسخیری و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوا حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.

و - وکیل تسخیری یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروح باشند.

ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷

ماده ۱۸۷ - به منظور اعمال حمایت‌های لازم حقوقی و تسهیل دستیابی مردم به خدمات قضایی و حفظ حقوق عامه، به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود تا نسبت به تأیید صلاحیت فارغ‌التحصیلان رشته حقوق جهت صدور مجوز تأسیس مؤسسات مشاوره حقوقی برای آنان اقدام نماید.

حضور مشاوران مذکور در محاکم دادگستری و ادارات و سازمانهای دولتی و غیردولتی برای انجام امور وکالت متقاضیان مجاز خواهد بود. تأیید صلاحیت کارشناسان رسمی دادگستری نیز به طریق فوق امکان‌پذیر است.

آیین‌نامه اجرایی این ماده و تعیین تعرفه کارشناسی افراد مذکور به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) (مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰)

باب دوم - وکالت در دعاوی

ماده ۳۱ - هریک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند.

ماده ۳۲ - وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکتهای دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات

عمومی غیر دولتی، شهرداریها و بانکها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعای مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر بعنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

۱ - دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کار آموزی در دفاتر حقوقی دستگاههای مربوط.

۲ - دوسال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.

تشخیص احراز شرایط یادشده به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم‌مقام قانونی وی

خواهد بود.

ارائه معرفی نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است.

ماده ۳۳ - وکلای متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاهها برای آنان مقرر گردیده است.

ماده ۳۴ - وکالت ممکن است به موجب سند رسمی یا غیر رسمی باشد. در صورت اخیر، در مورد وکالت نامه های تنظیمی در ایران، وکیل می تواند ذیل وکالت نامه تأیید کند که وکالت نامه را موکل شخصاً در حضور او امضا یا مهر کرده یا انگشت زده است.

در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید به گواهی یکی از مأمورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران برسد. مرجع گواهی وکالت نامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مأمور سیاسی یا کنسولی ایران به موجب آئین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت امور خارجه، ظرف مدت سه ماه، تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید. اگر وکالت در جلسه دادرسی داده شود، مراتب در صورت جلسه قید و به امضای موکل می رسد و چنانچه موکل در زندان باشد، رئیس زندان یا معاون وی باید امضا یا اثر انگشت او را تصدیق نمایند.

تبصره - در صورتی که موکل امضا، مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید، دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود.

ماده ۳۵ - وکالت در دادگاهها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثناء کرده یا توکیل در آن خلاف شرع باشد. لیکن در امور زیر باید اختیارات وکیل در وکالت نامه تصریح شود:

۱ - وکالت راجع به اعتراض به رأی، تجدیدنظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی.

۲ - وکالت در مصالحه و سازش.

۳ - وکالت در ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند.

۴ - وکالت در تعیین جاعل.

۵ - وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور.

۶ - وکالت در توکیل.

۷- وکالت در تعیین مصدق و کارشناس.

۸- وکالت در دعوای خسارت.

۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا.

۱۰- وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث.

۱۱- وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث.

۱۲- وکالت در دعوای متقابل و دفاع درقبال آن.

۱۳- وکالت در ادعای اعسار.

۱۴- وکالت در قبول یا رد سوگند.

تبصره ۱ - اشاره به شماره‌های یادشده دراین ماده بدون ذکر موضوع آن، تصریح محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲ - سوگند، شهادت، اقرار، نعان و ایلاء قابل توکیل نمی‌باشد.

ماده ۳۶ - وکیل در دادرسی، در صورتی حق درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجوه ایداعی به نام موکل را خواهد داشت که در وکالت‌نامه تصریح شده باشد.

ماده ۳۷ - اگر موکل وکیل خود را عزل نماید، مراتب را باید به دادگاه و وکیل معزول اطلاع دهد.

عزل وکیل مانع از جریان دادرسی نخواهد بود. اظهار شفاهی عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و به امضای موکل برسد.

ماده ۳۸ - تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است اقدامات وی در حدود وکالت، همچنین ابلاغهایی که از طرف دادگاه به وکیل می‌شود مؤثر در حق موکل خواهد بود، ولی پس از اطلاع دادگاه از عزل وکیل، دیگر او را در امور راجع به دادرسی، وکیل نخواهد شناخت.

ماده ۳۹ - در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصا یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل جدید حداکثر به مدت یک ماه متوقف می‌گردد.

وکیلی که دادخواست تقدیم کرده در صورت استعفاء، مکلف است آن را به اطلاع موکل خود

برساند و پس از آن موضوع استعفای وکیل و اخطار رفع نقص توسط دادگاه به موکل ابلاغ می‌شود، رفع نقص به عهده موکل است.

ماده ۴۰ - در صورت فوت وکیل یا استعفا یا عزل یا ممنوع شدن یا تعلیق از وکالت یا بازداشت وی چنانچه اخذ توضیحی لازم نباشد، دادرسی به تأخیر نمی‌افتد و در صورت نیاز به توضیح، دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و با ذکر موارد توضیح به موکل اطلاع می‌دهد که شخصا یا توسط وکیل جدید در موعد مقرر برای ادای توضیح حاضر شود.

ماده ۴۱ - وکلاء مکلفند در هنگام محاکمه حضور داشته باشند مگر اینکه دارای عذر موجهی باشند. جهات زیر عذر موجه

محسوب می‌شود:

۱ - فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم.

۲ - ابتلاء به مرضی که مانع از حرکت بوده یا حرکت، مضر تشخیص داده شود.

۳ - حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور در دادگاه باشد.

۴ - وقایع خارج از اختیار وکیل که مانع از حضور وی در دادگاه شود.

وکیل معذور موظف است عذر خود را به طور کتبی با دلایل آن برای جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد. دادگاه در صورتی به آن ترتیب اثر می‌دهد که عذراو را موجه بداند، در غیر این صورت جریان محاکمه را ادامه داده و مراتب را به مرجع صلاحیتدار برای تعقیب انتظامی وکیل اطلاع خواهد داد. در صورتی که جلسه دادگاه به علت عذر وکیل تجدید شود، دادگاه باید علت آن و وقت رسیدگی بعدی را به موکل اطلاع دهد. در این صورت، جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل، تجدید نخواهد شد.

ماده ۴۲ - در صورتی که وکیل همزمان در دو یا چند دادگاه دعوت شود و جمع بین آنها ممکن نباشد، لازم است در دادگاهی که حضور او برابر قانون آیین دادرسی کیفری یا سایر قوانین الزامی باشد، حاضر شود و به دادگاههای دیگر لایحه بفرستد و یا در صورت داشتن حق توکیل، وکیل دیگری معرفی نماید.

ماده ۴۳ - عزل یا استعفاء وکیل یا تعیین وکیل جدید باید در زمانی انجام شود که موجب تجدید جلسه دادگاه نگردد، در غیر این صورت دادگاه به این علت جلسه را تجدید نخواهد کرد.

ماده ۴۴ - در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دونهفر وکیل معرفی کرده و به هیچیک از آنها به طور متفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با

وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، در صورت ضرورت، جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می شود. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد.

ماده ۴۵ - وکیلی که در وکالت نامه حق اقدام یا حق تعیین وکیل مجاز در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را داشته باشد، هرگاه پس از صدور رأی یا در موقع ابلاغ آن استعفاء و از رؤیت رأی امتناع نماید، باید دادگاه رأی را به موکل ابلاغ نماید در این صورت ابتدای مدت تجدیدنظر و فرجام، روز ابلاغ به وکیل یاد شده محسوب است مگر اینکه موکل ثابت نماید از استعفاء وکیل بی اطلاع بوده در این صورت ابتدای مدت از روز اطلاع وی محسوب خواهد شد و چنانچه از جهت اقدام وکیل ضرر و زبانی به موکل وارد شود، وکیل مسؤول می باشد. در خصوص این ماده، دادخواست تجدیدنظر و فرجام وکیل مستعفی قبول می شود و مدیر دفتر دادگاه مکلف است به طور کتبی به موکل اخطار نماید که شخصاً اقدام کرده یا وکیل جدید معرفی کند و یا اگر دادخواست ناقص باشد، نقص آن را برطرف نماید.

ماده ۴۶ - ابلاغ دادنامه به وکیلی که حق دادرسی در دادگاه بالاتر را ندارد یا برای وکالت در آن دادگاه مجاز نباشد و وکیل در توکیل نیز نباشد، معتبر نخواهد بود.

ماده ۴۷ - اگر وکیل بعد از ابلاغ رأی و قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر و فرجام خواهی فوت کند یا ممنوع از وکالت شود یا به واسطه قوه قهریه قادر به انجام وظیفه وکالت نباشد، ابتدای مهلت اعتراض از تاریخ ابلاغ به موکل محسوب خواهد شد.

تبصره - در مواردی که طرح دعوا یا دفاع به وسیله وکیل جریان یافته و وکیل یاد شده حق وکالت در مرحله بالاتر را دارد کلیه آرای صادره باید به او ابلاغ شود و مبداء مهلت ها و مواعد از تاریخ ابلاغ به وکیل محسوب می گردد.

.....

ماده ۳۰۶ - مهلت وخواهی از احکام غیابی برای کسانی که مقیم کشورند بیست روز و برای کسانی که خارج از کشور اقامت دارند دوماه از تاریخ ابلاغ واقعی خواهد بود مگر اینکه معترض به حکم ثابت نماید عدم اقدام به وخواهی در این مهلت به دلیل عذر موجه بوده است.

در این صورت باید دلایل موجه بودن عذر خود را ضمن دادخواست وخواهی به دادگاه صادرکننده رأی اعلام نماید. اگر دادگاه ادعا را موجه تشخیص داد قرار قبول دادخواست وخواهی را صادر و اجرای حکم نیز متوقف می‌شود. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌گردد:

- ۱ - مرضی که مانع از حرکت است.

- ۲ - فوت یکی از والدین یا همسر یا اولاد.

- ۳ - حوادث قهریه از قبیل سیل، زلزله و حریق که بر اثر آن تقدیم دادخواست وخواهی در مهلت مقرر ممکن نباشد.

- ۴ - توقیف یا حبس بودن به نحوی که نتوان در مهلت مقرر دادخواست وخواهی تقدیم کرد.

تبصره ۱ - چنانچه ابلاغ واقعی به شخص محکوم علیه میسر نباشد و ابلاغ قانونی به عمل آید، آن ابلاغ معتبر بوده و حکم غیابی پس از انقضای مهلت قانونی و قطعی شدن به موقع اجراء گذارده خواهد شد.

در صورتی که حکم ابلاغ واقعی نشده باشد و محکوم علیه مدعی عدم اطلاع از مفاد رأی باشد می‌تواند دادخواست وخواهی به دادگاه صادرکننده حکم غیابی تقدیم دارد. دادگاه بدو خارج از نوبت در این مورد رسیدگی نموده قرار رد یا قبول دادخواست را صادر می‌کند. قرار قبول دادخواست مانع اجرای حکم خواهد بود.

- ۲ - اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین متناسب از محکوم له خواهد بود. مگر اینکه دادنامه یا اجرائیه به محکوم علیه غایب ابلاغ واقعی شده و نامبرده در مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ دادنامه وخواهی نکرده باشد.

- ۳ - تقدیم دادخواست خارج از مهلت یادشده بدون عذر موجه قابل رسیدگی در مرحله تجدیدنظر برابر مقررات مربوط به آن مرحله می‌باشد.

